

## نه زمین می دهیم نه زمان

۴

زیبایی محض بُهت آورده شاید دیده باشیم کسی که یک منظره طبیعی فوق العاده می بیند  
مبهوت زیبایش می شه. برای همینکه که مرور دفاع مقدس ما رو مبهوت خودش می کنه!

۱۰

## باید به عقب بازگشت

در اسلوب اندیشه توحیدی مردم حق انتقاد و اعتراض دارند و حاکم باید گوش شنوا  
داشته باشد، پاسخ گوی ملت باشد و آن ها را قانع کند



# «شناسنامه»

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مدیر مسئول: محمدامین علیدادی

سر دبیر: زهرا رنجبر

ویراستار: مریم ربی زاده

طراح و صفحه آرا: مرجان فرمانی

هیئت تحریریه: محمدامین علیدادی، امیر محمد فقیه نژاد، علی نصیریان، سکینه شیوانی، علی کریم آقایی، محمدامین قوام نادر، محمدهادی مرادی، سید محمدعلی علوی، ریحانه رزم آرا، فاطمه قراغانی، مجتبی حمیدی، رقیه صفائیان، مریم ربی زاده، فاطمه شیر عسکرپور

## نشریه بسیج دانشجویی مضماری - شماره ۴۲ - آبان ماه ۱۴۰۰

### «فهرست»

- ۱..... استکبار  $\cap$  اسلام = Ø
- ۴..... نه زمین می دهیم نه زمان
- ۸..... ایران و کاپیتولاسیون در طول زمان
- ۱۰..... بدانیم از پدافند غیر عامل
- ۱۰..... باید به عقب باز گشت
- ۱۲..... گزارش تصویری سفر قم
- ۱۴..... افتخار آفرینان ماه
- ۱۵..... در دسرهای مجازی این بار از زبان اساتید
- ۱۶..... از لیلی و مجنون تا مناظره و قبرستون
- ۱۷..... سایت طلایی
- ۱۸..... مجازی ماه
- ۱۹..... دانستنی های حقوقی
- ۱۹..... کوثر شاه خراسان
- ۲۰..... سیزده سال هم کافی است
- ۲۱..... یازدهمین عشق
- ۲۲..... عکاس باشی
- ۲۴..... بت های دنیای مدرن
- ۲۴..... معرفی کتاب
- ۲۵..... اسطوره های ماه
- ۲۶..... مسابقه ۴۲ مضماری

بسم الله القاصم الجبارین

روز پس از پیروزی انقلاب، سفارت آمریکا توسط شبه نظامیان چپ‌گرا مورد حمله قرار گرفت. به دستور حضرت امام خمینی (ره)، تجاوزکنندگان به شکل تحقیرآمیزی از سفارت بیرون رانده شدند. دلایل کافی وجود داشت که امام (ره)، نسبت به کمونیست‌ها دید منفی دارد و در واقع حتی قبل از رسیدن ایشان به قدرت، احتمال گرایش انقلاب به طرف دیگر، یعنی جنگ سرد، رد شده بود. امام در جواب سوال خبرنگاری که پرسید: شما درباره اتهامات شاه مبنی بر اینکه شما در واقع یا در عمل، متحد چپ و کمونیسم جهانی هستید چه می‌گویید؟ ایشان پاسخ دادند: هیچ‌گاه اسلام با کمونیست، موافق نیست و هیچ وقت ملت اسلام با کمونیست، موافق نبودند. خبرنگار پرسید: اگر در سرنگونی شاه موفق شدید چه نوعی از حکومت را می‌خواهید جایگزین او کنید؟ آیا خواستار یک حکومت اسلامی هستید؟ پاسخ دادند: «یک حکومت جمهوری اسلامی. جمهوری برای اینکه به اکثریت آراء ملت متکی است و اسلامی برای اینکه قانون اساسی‌اش عبارت از قانون اسلام است.»

رهبران آمریکا به روشنی دریافتند، انقلاب وارد خط قرمز کمونیست نشده است و می‌توانستند با ایران جدید، مماشات کنند. اما به نظر می‌رسد تاکیدات امام خمینی (ره) بر مبانی اسلامی و ضد سکولار حکومت، آن هم در منطقه مسلمان نشین دنیا و درست روی نیمی از نفت جهان، آنها را قانع می‌کرد به شیطنت خود ادامه دهند. کارتر خیلی زود با پذیرفتن شاه در آمریکا، خاطره‌ی زُعب انگیز

کودتای ۲۸ مرداد را زنده کرد. هم‌زمان با افشا شدن ملاقات مخفیانه‌ی رهبران جریان لیبرال با مقامات آمریکا، خطر سقوط انقلاب در ذهن ایرانی‌ها جدی شد و میلیون‌ها تظاهرکننده‌ی خشمگین، سفارت آمریکا را در خیابان روزولت سابق، احاطه کردند. ۶۶ آمریکایی حاضر در لانه جاسوسی، توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) به جرم جاسوسی، گروگان گرفته شدند تا ایالات متحده قانع شود هر چه سریع‌تر روند سرنگونی انقلاب را متوقف کرده و شاه را برای محاکمه به ایرانیان باز پس دهد. آمریکایی‌ها با تحریم‌های شدید و بلوکه کردن ۱۲ میلیارد دلار از اموال ایران، سعی کردند به ایرانی‌ها یادآور شوند که با یک ابرقدرت طرف هستند. این عکس‌العمل، به منزله آغاز سلسله‌ی دراز خصوصت‌های میان آمریکا و ایران بود که کم‌کم ماهیت آن به تقابل میان لیبرال سکولاریسم و اسلام سیاسی بدل شد و پای عمده کشورهای غربی و سایر اسلام‌گرایان دنیا را نیز به معرکه کشید و ابعاد جهانی یافت. روشن است که اسلام سیاسی، رقیب آمریکا برای نظم جهانی تلقی شده است. جدای از هر نامی که توسط آنان به اسلام داده شود: جهادیسلم، اسلامیسلم یا بنیادگرایی اسلامی.

برای اطلاع از چند و چون حوادث قبل، حین، و بعد ۱۳ آبان، شما را به دیدن مستند «قرارداد ۱۹ ژوئن» که بنظر می‌رسد یکی از قوی‌ترین مستندات آکناف موضوع تسخیر لانه جاسوسی است، دعوت می‌کنم. این مستند، حوادث ۱۳ آبان و اتفاقات بعد از آن را با بهره‌گیری از اشخاصی که تفکراتی متفاوت و گاهاً متضاد دارند، بررسی می‌کند. لذا می‌تواند منبع مناسبی برای شما علاقه‌مندان باشد. (جهت مشاهده مستند، بر روی هایلایت قرمز کلیک یا لمس نمایید.)  
نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بعد از

تسخیر لانه جاسوسی، ۱۳ آبان را روز ملی مبارزه با استکبار جهانی نامیدند. اما استکبار به چه معناست و وظیفه‌ی ما نسبت به آن چیست؟ استکبار، جنبه عملی تکبر است. انسان متکبر خود را برتر از دیگران می‌بیند. وقتی این صفت قلبی، مسبب عملش شود، آنگاه استکبار معنا می‌یابد. استکبار، ظالم است و باطل، زورگو است و تروریست پرور، تجمع همه بدی‌ها است. لذا اسلام نمی‌تواند در برابر استکبار سکوت کند یا کوتاه بیاید؛ ذاتاً غیر ممکن است. این دو در ضدیت کامل قرار دارند. ما برای رسیدن به هدفمان که همه‌ی اهداف، جمع می‌شود در عبارت ایجاد تمدن نوین اسلامی، باید استکبار را نابود کنیم و مسیر را جواری قرار دهیم که استکبار در سمت زوال خودش حرکت کند.

مظهر استکبار، آمریکا است. البته در حقیقت کمپانی‌دارهای صهیونیستی است (نه دولت صهیونیست). اینها هستند که دُول استکبار را اداره می‌کنند. این دُول، آلات دست کمپانی‌های صهیونیستی هستند.

دشمنی ما با استکبار، دشمنی اصولی است. ما با حاکمیت ظلم مخالفیم، با حاکمیت استکبار مخالفیم لذا مخالفت ما با آمریکا به این دلیل است. ما با آمریکا بودن آن کشور مخالف نیستیم با خوی استکباری آن مخالفیم. به همین جهت هر کشوری بخواهد مانند آمریکا عمل کند، ما با او مبارزه می‌کنیم. بحث ما نژاد، ملت، زبان و ... نیست؛ مسئله، مبارزه با ظلم است، مبارزه با استبداد و استکبار و هر آنچه در مقابل ارزش‌های انسانی است، می‌باشد. ما نمی‌توانیم زیر بار ظلم برویم و تحت قیومیت استکبار و طاغوت باشیم. حدیث از امام باقر (ع) که ایشان هم از جانب خداوند نقل قول کرده‌اند: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ:



قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي  
 الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ  
 وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَوَلَّاعِفُونَ  
 عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ  
 عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً  
 مُسِيئَةً؛ عَذَابٌ مِي كَنَمِ هَرِ اَمْتِي رَا كِه اَعْتِقَادِ پيدا  
 كَنَدِ وَ تَحْتِ وَايَتِ اِمَامِ جَائِرِي كِه اَز طَرَفِ خَدَاوَنَدِ  
 نِيَسْتَنَدِ قَرَارِ بَگيرِنَدِ يِعْنِي هَمِينِ اَمْتِه وَ وَايَتِ جَوْرِ  
 اِگَر چِه خُودِ اَيْنِ اَمْتِ اَز نَظَرِ اَعْمَالِ خُودِ شَانِ  
 مَعْصِيَتِ نَمِي كَنَنَدِ وَ اَعْمَالِ نِيَكِ بَجَا مِي اُورِنَدِ اَمَا  
 هَمِينِ كِه قَبُولِ مِي كَنَنَدِ تَحْتِ وَايَتِ اِمَامِ جَائِرِ  
 قَرَارِ بَگيرِنَدِ هَمِينِ خُودِ شِ بَاعْثِ عَذَابِ اَسْتِ وَ  
 عَكْسِ اَيْنِ مَطْلَبِ هَمِ هَمِينِ اَسْتِ.

حاصل استکبار، نظام سلطه است. یکی سلطه  
 می کند و دیگری سلطه می پذیرد. باید در برابر  
 نظام سلطه ایستاد. وقتی می گوئیم نظام سلطه،  
 فقط منظورمان کشورهای استبدادی نیست.  
 نظام سلطه، هم شامل ظلم کننده هست و هم  
 ظلم پذیر. اسلام علاوه بر اینکه در برابر ظالم  
 می ایستد، در برابر ظلم پذیر و زیر بار ظلم رفتن هم  
 می ایستد. چرا؟ چون در منطق اسلام، کسی که  
 ظلم می پذیرد و در برابر ظلم مقاومت نمی کند، با  
 ظالم در یک مسیر قرار دارد. در واقع با این کار،  
 او را تأیید می کند و به او یاری می رساند تا بیش تر  
 ظلم کند. **مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا سَلَطَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ؛** هر که  
 ستمگری را یاری کند، خداوند همان ستمگر را  
 بر او مسلط می کند (این یک سنت الهی است).  
 گاهی اوقات سکوت هم، یاری کردن است (اینکه  
 می گوئیم گاهی اوقات، به این دلیل است که  
 بعضی مواقع، سکوت کردن و حرف حقی را نزنن،  
 مطابق با مَشی اسلام است. گاهی اوقات همان  
 حرف حقی که در زمان و مکان نامناسب گفته  
 می شود، پازل دشمن را کامل می کند). **السَّكَاةُ**

أخُو الرَّاظِي؛ آن کسی که در مقابل وضع باطل  
 ساکت است، برادر آن کسی است که به آن وضع،  
 راضی است. خب حالا تکلیف آن کسی که راضی  
 است چه می شود؟ **مَنْ رَضِيَ بِعَمَلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ؛**  
 خب کسی که از یک جمعی راضی باشد، از آن ها  
 است و به همان عاقبتی که آن ها دچار می شوند  
 او نیز دست پیدا می کند (این یک قاعده قرآنی  
 است).

کشوری که به عطر قرآن و اسلام، مُزین شده  
 است نمی تواند در برابر ظلم، نظام سلطه و  
 استکبار که نگین انگشتر آن آمریکا است، ساکت  
 بماند. جمهوری اسلامی سکوت نمی کند، با  
 استکبار می جنگد و از مظلومین حمایت می کند.  
 البته حمایت از مظلوم، تابع مذهب و دین طرف  
 مقابل نمی باشد. مظلوم، مظلوم است؛ چه  
 مسلمان باشد، چه غیر مسلمان و چه سنی باشد،  
 چه شیعه.

امام فرمودند: دو نوع اسلام داریم، یکی  
 اسلام آمریکایی که اسلام رفاه، تجمل و اسلام  
 سازش و فرومایگی است و دیگری، اسلام  
 ناب محمدی (ص) که اسلام فقرای دردمند  
 و پابرهنگان است. انقلاب ما مزین به اسلام  
 محمدی (ص) است. لذا آنها برای همین است  
 که با ما مخالف اند. علت دشمنی استکبار با  
 جمهوری اسلامی، این حرف های ساده لوحانه و  
 نامعتبری که از زبان برخی ساده اندیشان هَجَوُگُو  
 و سست عناصر داخلی و غرب زده ها شنیده  
 می شود، نیست. مسئله این است که آنها با



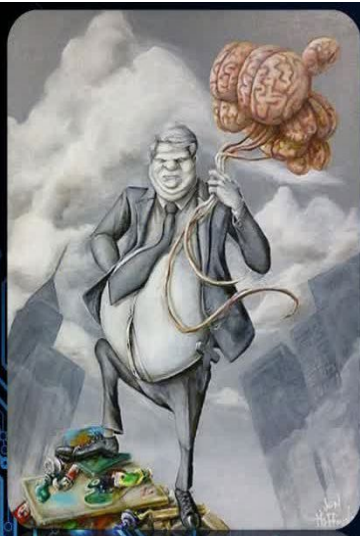
اسلام محمدی (ص) مخالف اند. چرا که در اسلام  
 ناب ما، همواره یک نفی و یک اثبات وجود دارد.  
 نفی ظلم، سلطه پذیری و... و اثبات ارزش های  
 اسلامی، دفاع از مظلومان جهان و... دشمنی  
 آمریکا به خاطر این ها است نه یک سری الفاظ  
 یا سخنانی که گاهاً از زبان اشخاصی در ساختار  
 نظام، شنیده می شود. غوغا به پا می کنند که چرا  
 فلان شخص در فلان مسئولیت، حرف تندى عليه  
 مثلا آمریکا زد. مسئله را انقدر کوچک می یابند.  
 بعد آقایان با لباس عقلانیت می آیند در مقابل  
 ملت و می گویند باید مذاکره کرد، باید فلان کرد.  
 یکی از خصوصیات مستکبر این است که پایبند به  
 حرف خود نیست، متعهد نیست، لذا خلف وعده  
 می کند. اینکه امام می گوید آمریکا شیطان بزرگ  
 است، یک تعبیر حکیمانه ایست. **إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ  
 وَعَدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ؛** شیطان به پیروان  
 خودش می گوید خدا وعده ی درست به شما داده  
 بود و من به شما وعده ی دروغ دادم؛ شماها از  
 وعده ی خدا پیروی نکردید؛ دنبال من راه افتادید.  
 نمی فهمند که با مذاکره، دشمنی استکبار از بین  
 نمی رود. این را باید فهمید که اگر زمانی استکبار،  
 وعده ی مذاکره داد، این هم قطعاً در مسیر  
 دشمنی اوست. چرا؟ چون دشمنی استکبار،  
 دشمنی اصولی است؛ تابع برخی الفاظ و سخنان  
 نیست. آنها با اساس اسلام مخالف اند لذا تا زمانی  
 که اسلام است و آموزه های انسان ساز آن وجود  
 دارد، دشمنی آن ها هم ادامه دارد و از این طرف  
 هم تا زمانی که نظام سلطه و استکباری، وجود  
 دارد، مبارزه هست و به قول حضرت امام (ره) تا  
 مبارزه هست، ما هستیم.

بله ما هم دنبال عقلانیت هستیم لکن  
 نباید کلمات را تفسیر به رأی کرد. حضرت آقا  
 می فرمایند: «عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام

از بالا تا پایین حاکم باشد، اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست، به معنای هزیمت نیست، عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق تر شدن در رسیدن به این آرمان هاست لذا عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است اما عقلانیت این طور نیست. محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشاء تحولات عظیمی است مانند انقلاب که ناشی از محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکر شده بود.» لذا این صداهایی که گاهی اوقات از گوشه و کنار، شنیده می‌شود با عنوان عقلانیت و پرهیز از دردسر بین المللی، نشانه خسته شدن از مبانی انقلاب است؛ چرا؟ چون از اول با مبانی تمیم و لایزال، قدم در راه مبارزه با استکبار گذاشتند. آن‌هایی که اول انقلاب دم از مبارزه با ظلم و استکبار می‌زدند و بعد، مُستَحیل شدند، به این دلیل بود که ایمان‌شان مستقر نبود، عاریه‌ای بود. ایمان‌شان برگرفته از استدلال عمیق نبود؛ برگرفته از احساسات بود؛ علی‌هذا مُضْمَجِل شد. باید مبانی را قوی کرد. تنها با تقویت مبانی اسلامی است که می‌توان در مقابل استکبار ایستاد و دچار تزلزل نشد. وقتی شالوده‌ی یک ساختمان قوی باشد، در برابر زلزله و حوادث طبیعی، مقاومت می‌کند لکن اگر ریشه آدمی ضعیف باشد، در گردبادها و حوادث زندگی، کمر خم می‌کند. **فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ**؛ باید در برابر استکبار مقاومت کرد. البته طبیعی است که مقاومت هم سختی‌هایی دارد لکن اجر و پاداش دارد و هم چنین، **أَنْ مَعِيَ رَبِّي**؛ همراهی خدا را دارد. اما اگر در برابر ظلم، تسلیم شدیم، علاوه بر اینکه تحمل سختی‌های این مسیر، اجری ندارد، بلکه مجازات هم دارد.

انسان فقط تسلیم خداست؛ خضوع و خشوع انسان، فقط در برابر خداست. کسی که خداوند را سَرمنشأ هستی ببیند، فقط در برابر او تعظیم می‌کند. لذا کسی که تسلیم خداست، نباید در برابر غیر او خضوع کند به همین دلیل است که قرآن می‌گوید: نه ظلم کنید، نه زیر بار ظلم بروید. امروز سیاست جبهه‌ی استکبار، استعمار است؛ اما نه به شیوه قبل؛ حضرت آقا این استعمار را فرانو می‌نامند. خب این استعمار فرانو به چه شکل است؟ استکبار می‌آید عناصری را در کشور هدف، انتخاب می‌کند و با تأثیر بر روی افکار و نظام فکری او، کاری می‌کند که در جهت منافع استکبار موضع‌گیری و تصمیم‌گیری کند، بدون اینکه خود شخص متوجه باشد. یعنی به مرزهای ایمانی و روحی آن فرد، نفوذ می‌کند تا تصمیماتی را بگیرد که مدنظر استکبار است. خب، شیوه عقلانی و جالبی است. وقتی کشوری را نشود با جنگ و استعمار نو، از بین برد، طبیعتاً باید پارا فراتر گذاشت و شیوه‌های نوینی را ابداع کرد. وقتی تصمیم‌سازی در کشور، همسوبا منافع استکبار باشد، به مرور مبانی و ارزش‌های اسلامی در کشور، سست می‌شود و این، سبب تزلزل ملت نسبت به آرمان‌های انقلاب می‌شود. طبیعتاً وقتی ملت متزلزل گشته و پایه‌های اسلامی آن‌ها سست شد، دیگر پشتیبانی لازم را از انقلاب، نخواهد داشت. لذا انقلاب، استحال می‌شود، یعنی ظاهر، سر جای خود باقیست در حالی که باطن از بین رفته‌است و طولی نمی‌کشد که فروپاشی رخ می‌دهد؛ به همین جهت است که حضرت آقا می‌فرمایند: «دشمن را با علاماتش در هر لباس باید شناخت و مهم‌تر از شناخت دشمن، شناخت روش دشمنی اوست.» همان‌طور که عرض شد برای مقابله با نظام

سلطه، باید مبانی اسلامی را در خود، تهذیب داد. باید خاکریزها را مستحکم کرد و این کار جز با تقویت مبانی، اتفاق نمی‌افتد. اسلام را باید با جان و دل و منطق پذیرفت زیرا باطل در مقابل انسان، همیشه عریان ظاهر نمی‌شود علی‌هذا گاهی اوقات تشخیص باطل به این سادگی نیست؛ ممکن است چیزی را حق ببینی یا تشخیص بدهی که حق است در حالی که باطل است.



استعمار فرانو

به همین دلیل، باید خودسازی کرد، باید مبانی را قوی کرد. نمونه‌هایی را ذکر می‌کنم: برای اینکه بتوانیم مسیر حرکتمان را همیشه درست انتخاب کنیم باید بصیرت داشته باشیم، باید قدرت تحلیل داشته باشیم، باید بتوانیم حوادث و اتفاقات را تحلیل کنیم و برای اینکه حرکت ما، حرکتی مجاهدانه باشد، باید اخلاص داشته باشیم. مورد بعد هم عمل به هنگام و به اندازه است. اگر انسان لحظات را نشناسد، وقت شناس نباشد و تشخیص ندهد که کدام کار را در کجا، چه هنگام و چه مقدار انجام دهد، ممکن است دچار خطاهای بزرگی شود. لذا برای خودسازی و تقویت مبانی، باید جهاد اکبر کرد، جهاد با نفس.



## نه زمین می دهیم، نه زمان!

امیر محمد فقیه نژاد - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

خدا ولایت نداشته باشد، این چنین آدمی، همه ی آنچه انجام داده است، بیهوده و بی ثمر و خنثی است.

هر جا که امت اسلامی این عنصر را نداشت، تاریخ تلخ و عبرت انگیزی را برای آیندگان بر جای گذاشت. لذا وظیفه جامعه ی اسلامی این است که امام زمانه خود را بشناسد، مبانی خود را قوی کند و به نعمت ولایت چنگ بزند تا تبدیل به جامعه ای مرده نشود؛ جامعه ای که چشم دارد اما آنچه باید ببیند، نمی بیند. گوش دارد اما سخن حق را نمی شنود و... آن وقت است که می تواند در برابر استکبار بایستد و «لا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ»؛ در این راه، استوار باشد تا آن را نابود کند.

در رابطه با بحث امامت باید متذکر شد امام به معنای حاکم و پیشوای جامعه است چه معصوم باشد، چه نباشد و توسط خدای متعال معین می گردد. خداوند گاهی اوقات امام را با نام آن معرفی می کند و گاهی هم فقط با نشان، امام حسن عسکری (ع) میفرماید: فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَدِّوهُ. امام معین کرد دیگر این هم امام است آن فقیهی که جانشین امام منصوص (تعیین شده از طریق آیات و روایات) است خود، امامی است منتها امامی است که با نام معین نشده، با نشان معین شده هر کسی که این نشان برو تطبیق کرد او می شود امام. در حال حاضر، امام امت اسلامی، همان رهبر کبیر و فرزانه انقلاب اسلامی است. شخصی حکیم و دانشمند که امروز در نوک قله ی مبارزه با استکبار است و ان شاء الله، ولایت به کمال مطلقه برسد تا تعجیل در فرج رخ دهد.

والسلام علیکم

وقتی مبانی قوی شد، ولایت حاصل می شود. ولایت یعنی همبستگی، یعنی پیوند. ولایت را می توان در دو بُعد بررسی کرد:

۱. ولایت دو جهت دارد؛ داخلی، که به معنای پیوند آحاد امت اسلامی با یکدیگر است و خارجی، که همان نفی پیوند با خارجی های ضد اسلام است.

۲. ولایت دو گونه است. ولایت آحاد جامعه اسلامی یا یکدیگر و دومی، ولایت ولی فقیه یا امام جامعه اسلامی بر مردم.

امت اسلامی برای رسیدن به هدف خود که همان نابودی استکبار و ایجاد تمدن نوین اسلامی است، باید ولایت داشته باشد. کسانی که فکر واحد و هدف واحدی دارند، اگر ولایت نداشته باشند، به هم متصل نباشند و ارتباط فکری و عملی با امام امت نداشته باشند، قطعاً در برابر دشمن، هضم می شوند و از بین می روند. ولایت یک تکلیف الهی است و هیچ نعمتی بالاتر از آن وجود ندارد. این حدیث معروف توسط چند نفر از ائمه (ع) رسیده است: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَّلَايَةَ وَّلِيِّ اللَّهِ فَيَوَالِبَتِهِ وَيَكُونَ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ: اگر کسی تمام عمر را روزه بگیرد، نه فقط ماه رمضان را، تمام شب ها را تا به صبح بیدار بماند، تمام اموالش را در راه خدا بدهد، اما با ولی



سه روز، یک هفته، ده روز، یه ماه  
تحلیل گرا، خبرنگارا و ژنرال ها  
اون ور مرزهای ما همه فکر می کردن سرنوشت  
جنگ خیلی زودتر از این ها معلوم بشه قرار بود  
مجهزترین و آماده ترین ارتش غرب آسیا خیلی زود  
به همه اهدافش برسه...  
ارتش ما هم هنوز بلا تکلیف بود، ما اصلاً آماده  
جنگ نبودیم و مطمئناً حریف ساده ای به نظر  
می رسیدیم.  
ولی قصه جنگ رو کاغذ تحلیل گرا رقم نمی خوره  
اگه هم که یه طرف جنگ، ایرانی ها باشن خیلی  
زود همه چی معلوم میشه.  
سلام! امروز من نیومدم با حرف های احساسی  
ماجرای سوسنگرد رو سر هم بیارم پس بیایم برای  
یک بار هم شده کارشناسی بریم جلو.  
بسم الله...  
عراق، بعد از نا امیدی از تکمیل محاصره آبادان  
یک بار دیگه نگاهش به سمت سوسنگرد جلب  
شد. حالا چرا یک بار دیگه؟ چون روزهای آغازین  
جنگ، سوسنگرد سقوط کرد و بعضی ها شهر رو  
تحویل خلق عرب (جبهه دموکراتیک خلق عرب  
اهواز) دادند.  
که با عملیات شهید غیور اصلی آزاد شد.  
(عملیات شهید غیور اصلی؛ ۹ روز بعد از شروع  
جنگ یعنی ۸ مهرماه ۵۹ عراق به سرعت به  
جلو حرکت می کنه و شهرها یک به یک سقوط که  
تا نزدیکی های اهواز هم می رسند اوضاع بدیه.  
بعضی انبارهای مهمات به طور مشکوک منفجر و  
شایعاتی مبنی بر ورود ارتش عراق به اهواز جورا  
متشنج کرده که امام آن جمله معروف رو میگن:

شهریه سیخ دانشجویی مضمار - شماره ۴۲ - آبان ماه ۱۴۰۰



مگر جوانان اهواز مرده اند؟!

شهید غیور اصلی بعد از آن با تعدادی از پاسداران اهواز جمع می‌شوند که تعدادشان به ۳۰ نفر هم نمی‌رسیده به سمت حمیدیه حرکت می‌کنند و بدون سنگر، دو به دو با فاصله صد متر از هم جاده رو پوشش می‌دادند.

ساعت ۴ صبح با یک شبیخون به دشمن باعث فرار بعضی‌ها می‌شن اون‌ها رو تعقیب می‌کنند و شهرها رو یک‌به‌یک پس می‌گیرند علاوه بر سوسنگرد که خلق عرب بر اون جا ساکنه و حتی فرماندار هم براش انتخاب شده.

این بود خلاصه‌ای از عملیات شهید غیور اصلی)

اما فقط با این ۲۸ نفر که نمی‌شه کار رو ادامه داد. چند وقت بعد از عملیات غیور اصلی، عراق برای برگشت به مواضع قبلی و تکمیل محاصره آبادان تلاش می‌کنه که تلاش هاش تا ۱۳ آبان ناکام می‌مونه که دوباره توجهش به عمق خاک خوزستان یعنی سوسنگرد جلب می‌شه و دوباره تلاشش رو می‌کنه برای تصرف سوسنگرد. توی شهر هم حدود ۴۰۰ یا ۵۰۰ تا مدافع ارتشی - سپاهی - بسیجی مانده بودند و منتظر پشتیبانی از خارج شهر برای آزادی شهر...

به همین سادگی‌ها هم نبود یکی بود که خیلی کارشکنی و مانع تراشی می‌کرد قدرتش رو هم داشت خانم‌ها و آقایون ایشون کسی نیست جز رئیس جمهور محبوب جناب بنی صدر...

بعد از برو بیاهای زیاد دو تن از نماینده‌های امام در شورای عالی دفاع یعنی حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و دکتر مصطفی چمران پیگیر فرستادن یگان‌هایی برای شکستن حلقه محاصره و آزادی شهر بودند. حتی امام از طریق آیت‌الله اشراقی داماد خود پیام و دستوری به آقای

خامنه‌ای ارسال می‌کند که تا فردا باید سوسنگرد آزاد بشود دیگه حجت تمام وقتی امام می‌گه باید یعنی دیگه حرفی پشتش نیاد عمل بشه.

خب هماهنگی‌هایی انجام شده با تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی که وارد عمل بشن با بقیه یگان‌های پاسدار و بسیجی عملیات را به سرانجام برسانند عصر ۲۵ آبان تمام موضوعات بررسی و نقشه‌ها تکمیل می‌شه شروع عملیات صبح فردا یعنی ۲۶ آبان ماه است.

نیمه شب شهید چمران سراسیمه به اتاق آقای خامنه‌ای میان و خبر بدی رو می‌رسونن که بله تیپ ۲ زرهی از طرف فرماندهی کل قوا که آن وقت‌ها جزء اختیارات رئیس جمهور وقت یعنی بنی صدر بوده دستور داده شده که حرکتی صورت ندن...

وضع بحرانی شهر هم در آستانه سقوط... حضرت آقا در خاطراتشون این‌طور بیان می‌کنند؛

ساعت ۱ یا دو شب بود

که شهید چمران به سراغ بنده آمدند و این خبر ناگوار را به بنده رساندند. همان لحظه حضرت آقا نامه تندی خطاب به فرمانده تیپ سرهنگ قاسمی می‌نویسد به این مضمون:

شنیده‌ام که به شما گفتند حرکت نکنید و

منتظر اوامر (منظور بنی صدر) باشید...

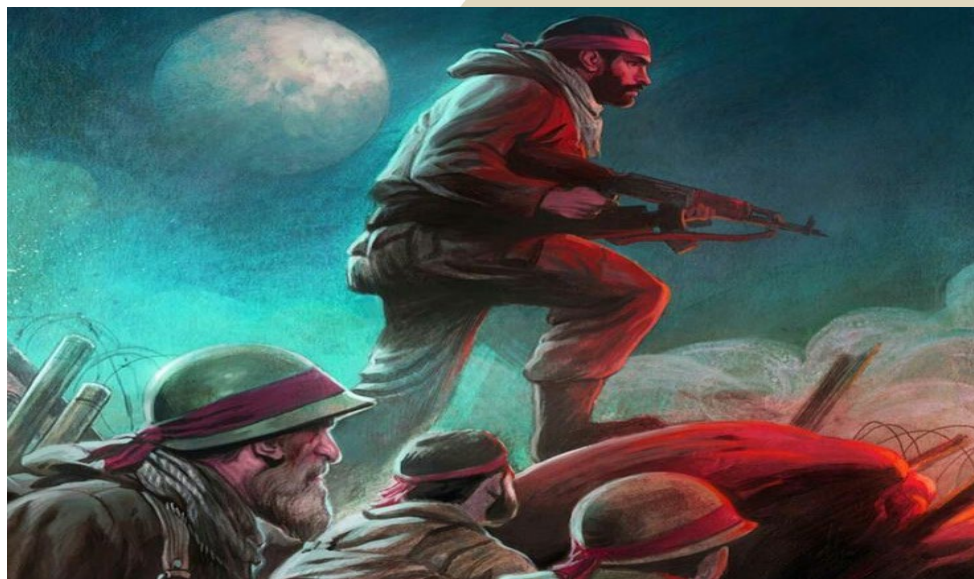
و زیر آن نامه نیز شهید چمران این‌گونه اضافه می‌کند؛

من رسماً اعلام جرم می‌کنم

به خاطر این همه اتلاف وقت و کوتاهی‌ها و اگر این عملیات با شکست مواجه شود، من خون آن ۵۰۰ مدافع شهر را بر گردن شما و آن فرد می‌اندازم (باز منظور بنی صدر است)

نامه که به دست سرهنگ قاسمی فرمانده تیپ می‌رسه با همان شجاعت ارتشی دستور فرمانده کل قوا بنی صدر رو زیر پا می‌ذاره و حرکت می‌کنه برای انجام عملیات هماهنگی‌ها انجام می‌گیره و عملیات شروع می‌شه و شهر از محاصره بیرون میاد ناگفته نماند که شهید چمران و بچه‌های جنگ‌های نامنظم چند کیلومتر جلوتر از نیروها به دشمن یورش می‌بردند که شهید چمران در همان جا زخمی می‌شه...

بعد از آزادسازی سوسنگرد هست که جبهه یک ثبات نسبی به خودش می‌گیره تا اواخر آبان که گرد و خاک جبهه خوابیده و زور و توان دو طرف معلوم شده و صدام و عراق تازه می‌فهمند که با یه هفته ده روز یه ماه نمی‌شه جنگ رو تمامش کرد.



برگردیم کمی عقب‌تر مهرماه ۵۹

اصلا چرا سوسنگرد محاصره شد و تا مرز سقوط رفت؟

بر خلاف داستان‌های دیگه جواب سوال ما تو جبهه نیست بلکه جایی دورتر از جبهه هاست! کجا؟ تهران.

در ماه‌های آغازین جنگ مسائل سیاسی خیلی پررنگ‌تر از مسئله جنگ بود؛ اختلاف بنی‌صدر با نخست‌وزیر شهید رجایی، حزب جمهوری اسلامی و شهید بهشتی...

تمام تمرکزها در آنجاست... نه جبهه

محررم ۱۳۵۹ که عراق سوسنگرد رو محاصره کرده بود دورتر از خط مقدم همه منتظر سخنرانی افشاگرایانه رئیس‌جمهور بنی‌صدر در روز عاشورا بودن اصلاً کسی حواسش به جبهه نبود و تظاهرات عاشورا به جدل سیاسی تبدیل شده بود که امام تذکر دادند راهپیمایی عزاداری را از شما نگیرد ۲۴ آبان ماه سوسنگرد در محاصره کامل قرار گرفته بود و امام ۲۵ آبان در جمع فارغ التحصیلان دانشکده افسری فرمودند:

یک وقت می‌خواستند ارتش را منحل کنند و می‌گفتند ارتش طاغوتی است این‌ها نمی‌خواستند فقط ارتش را منحل کنند این‌ها می‌خواستند این گروه بزرگ کارکن را از کشور بگیرند و کشور را بی‌دفاع کنند (فلش بک به قبل جلسه: مجلس برای منحل کردن ارتش با موافقت شدیدالرحمن حسن روحانی و امثال هم از طرح...)

برگردیم به جبهه کمی بیشتر زوم کنیم که چطور محاصره شکل گرفت؟!

سیزدهم آبان ماه بود که عراق برای رساندن ارتش خود به عمق خاک ایران- به سوسنگرد- از شرق و غرب یورش می‌برد که دفاع جانانه مردمی در مقابل تانک‌ها و نفربرهای عراقی



باعث عقب‌نشینی آن‌ها شد این حملات پی‌درپی ادامه داشت اما باز ناکامی در محاصره ادامه پیدا می‌کرد بعد از آن عراق با یک دورخیز استراتژیک تمام قدرت خود را برای ۲۳ آبان جمع می‌کند و حمله گسترده‌ای را از شرق و غرب انجام می‌دهد. شهدا دارد کم کم از شمارش خارج می‌شود که نیروهای مردمی به داخل شهر عقب‌نشینی می‌کنند و شهر ۲۴ آبان به محاصره کامل در می‌آید. ارتش عراق به این نیز بسنده نمی‌کند و با بمباران شهر کار را برای مدافعین دشوارتر می‌کند. ارتش عراق از شرق و غرب وارد شهر می‌شود و به سمت مسجد جامع شهر که پایگاه مدافعین بوده حرکت می‌کند.

تمام راه‌ها بسته شده و تنها یک راه آبی از طریق کرخه باز بوده که مجروحین را از آنجا انتقال می‌دادند توی این روز است یعنی ۲۵ آبان خیلی از کسانی که در شهر بودند مجروح و یا به شهادت می‌رسند.

آن قدر تعداد شهدا بالا میرود که سپاه آن روز را عزای عمومی اعلام می‌کند اوضاع سختی شده شهر لحظه‌به‌لحظه به سقوط نزدیک‌تر میشه در این وقت شهید علی تجلایی که از فرماندهان سپاه تبریز بوده با بچه‌های خودش به شهر آمده بود با امام جمعه تبریز آیت‌الله مدنی تماس می‌گیره و شرایط و وضع شهر رو این جور توضیح می‌ده:

اینجا مثل کربلاست از همه طرف محاصره شدیم تا آخرین رمق از شهر دفاع می‌کنیم ولی شهر در آستانه سقوط قرار دارد.

وقت غروب تانک‌های عراقی به سمت مسجد جامع حرکت می‌کنند تا کار را یکسره کنن که با انهدام چند تانک و دفاع جانانه مردم بعضی‌ها از شهر عقب‌نشینی می‌کنند. و دوباره به آتش توپ‌خانه رو می‌کنم، باز هم نیروهای کمکی به علاوه ۸۰ تانک به عراقی‌ها اضافه می‌شن که دیگر سقوط قطعی بشه طی صحبت شهید تجلایی با آیت‌الله مدنی ایشان نیز خبر را به گوش امام می‌رساند. امام دستور می‌دهد که:

سوسنگرد تا فردا باید آزاد شود و کل قوا آماده این کار بشوند.

که پیش‌تر نیز کم‌وکیف قضیه را توضیح دادیم... آدم‌ها برای خیلی چیزها صف می‌بند. برای سوار قطار شدن یا ترن هوایی، شهر بازی، یا دیدن یک فیلم پرفروش هر جا چیزی دوست‌داشتنی باشه آدم‌ها برایش صف می‌بندن اما تا حالا کسانی رو دیدین که برای جلوی گلوله قرار گرفتن به صف بایستند؟

بُهت...

زیبایی محض بُهت‌آورده شاید دیده باشیم کسی که یک منظره طبیعی فوق‌العاده می‌بینه مبهوت زیباییش می‌شه. داستان حضرت یوسف، ترنج‌ها و زنان مصر رو هم شنیدین حتما.

برای همینه که مرور دفاع مقدس ما رو مبهوت خودش می‌کنه! زندگی اون سال‌های مردم از جنس زندگی الان ما نبوده

زیبا بود...

برای همین هم بُهت آورده

پایان





# ایران و کاپیتولاسیون در طول زمان

سید محمدعلی علوی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

هرگاه که واژه کاپیتولاسیون به گوش می‌رسد فضای تلخ و استعماری دویست سال اخیر ایران در ذهن تداعی می‌شود، فضایی که به دلیل مواجهه‌ی تمدن مدرنیته‌ای حاکم بر جهان با ایران منفعل دوران قاجار و پهلوی، بر این کشور تحمیل شد و تأثیر عمده آن در سلب هویت ملی و استقلال سیاسی ایران نمایان شد.

کاپیتولاسیون واژه‌ای لاتین و به معنای تفویض و واگذاری است و در ادبیات سیاسی معادل قضاوت کنسولی و قضاوت سپاری به کار می‌رود به این معنی که طبق آن افرادی که از کشور مبدأ به کشور میزبان می‌روند در صورت اعمال جرم، در کشور مبدأ و طبق قوانین کشور مبدأ محاکمه خواهند شد.

این مفهوم اما سابقه دیرینه‌ای دارد و محدود به دوره‌ی استعماری بعد از انقلاب صنعتی نیست، هارون الرشید خلیفه عباسی برای تجار غربی که به ممالک اسلامی می‌آمدند چنین امتیازی قائل بود و ایشان را بر اساس قوانین مسیحیت محاکمه می‌نمود. دولت عثمانی نیز چنین امتیازی به کشورهای غربی داده بود.

پیشینه‌ی کاپیتولاسیون در ایران به سال ۱۸۲۸ میلادی و عهدنامه ترکمانچای و در پی جنگ فتحعلی شاه با روسیه‌ی تزاری منعقد شد برمی‌گردد. همچنین پس از شکست ناصرالدین شاه در جنگ هرات در ۱۸۵۶ میلادی معاهده پاریس بین دو دولت ایران و انگلستان بسته شد.

در این پیمان انگلیس‌ها به دولت ایران برای اتباع انگلیسی که در ایران زندگی می‌کردند حقوقی را همانند حقوقی که در عهدنامه ترکمانچای به اتباع روسیه در ایران داده شده بود تحمیل کردند. در ادامه قدرت‌های دیگر از جمله آمریکا و آلمان نیز چنین امتیازی گرفتند.

بعد از سقوط حکومت تزاری روسیه، لنین<sup>۱</sup> برای نشان دادن حسن نیت خود به دول ضعیف جهان تمام قراردادهای استعماری این کشور را ملغی کرد. صمصام‌السلطنه<sup>۲</sup> نیز از وضع پیش آمده استفاده کرد و در سال ۱۹۱۸ عهدنامه ترکمانچای را ملغی اعلام کرد. اما مابقی کشورها همچنان از امتیاز کاپیتولاسیون در ایران بهره‌مند بودند.

لکن در دوره‌ی پهلوی اوضاع دگرگون شد؛ رضاشاه عقیده داشت زمانی که کشور دادگاه‌هایی با قوانین سکولار داشته باشد می‌تواند قوانین ویژه را برای اتباع خارجی لغو نماید و همه، چه اتباع خارجی و چه محلی در برابر قوانین سکولار برابر هستند و جوابگو می‌باشند. وی پس از وضع قوانین مدنی کشور با الگوبرداری از قوانین فرانسه، در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۷ کاپیتولاسیون را برای همه اتباع خارجی در ایران لغو نمود. اما آنچه که نقطه اوج در مبحث کاپیتولاسیون در تاریخ ایران است در دوره پهلوی دوم رخ داد.

او در ابتدا با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی موسوم به انقلاب سفید و حذف شروط مسلمان بودن و سوگند به قرآن از افراد آن انجمن،

۱. ولادیمیر ایلیچ اولیانوف معروف به لنین نظریه‌پرداز مارکسیست و انقلابی کمونیست روسی، رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بنیان‌گذار دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود.

۲. نجف‌قلی خان بختیاری مشهور به صمصام‌السلطنه از رجال دوره قاجار و سران ایل بختیاری بود که پس از انقلاب مشروطه، دو دوره رئیس‌الوزرای ایران شد.





حساسیت جامعه روحانیت و متدینین را برانگیخت و در پس آن وقایع فیضیه قم و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رخ داد، در نهایت لایحه مزبور در اثر فشارها بر حاکمیت در همان سال ملغی گشت. محمد رضا پهلوی در نظر داشت که با نزدیکتر شدن به آمریکا و امتیاز دادن به این کشور، قدرت خود را در منطقه افزایش دهد و ارتشی قوی بنا کند تا در منطقه حرف اول را بزند، به همین سبب از آمریکا تسلیحات خریداری کرد و ایضاً درخواست نمود تا مستشاران نظامی این کشور در ایران به تقویت و مدرن کردن ارتش بپردازند. آمریکایی‌ها نیز تقاضا کردند که مستشاران آمریکایی ذیل بند دوم کنوانسیون وین<sup>۳</sup> قرار بگیرند. در نهایت در روز ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ بیست و یکمین مجلس شورای ملی با ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف آن تقاضا را تصویب کرد. بعد از تصویب قانون مذکور که شرایطی همسان با کاپیتولاسیون داشت آیت‌الله خمینی در جمع علمای قم سخنرانی تند و کم سابقه‌ای کردند که با این جملات آغاز شد:

«... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی را به مجلس بردند که در آن ما را ملحق کردند به پیمان وین... که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندهای فنی‌شان با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان... از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند. ملت ایران را از سگ‌های آمریکا پست‌تر کردند. چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد از او مؤاخذه می‌کنند اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد مؤاخذه می‌کنند و...» این سخنان معروف نیز در همان مجلس ایراد شد:

«آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر،

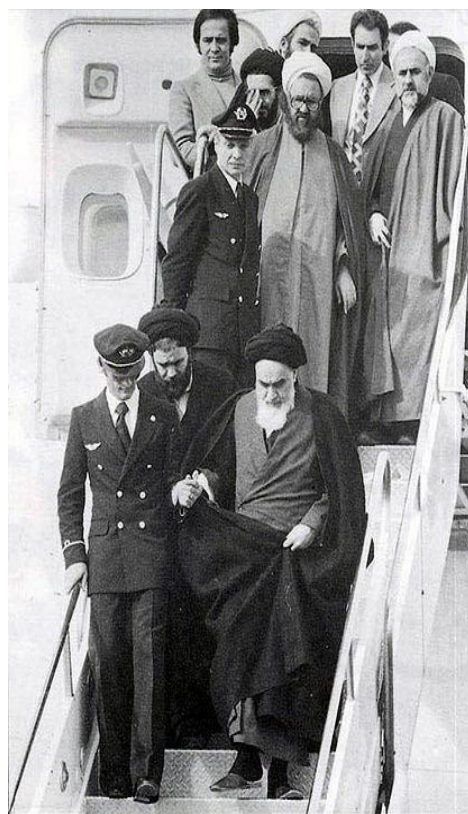
شوروی از همه بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیث هاست. با آمریکا است... این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزرا هم از آمریکا هستند، همه دست‌نشانده آمریکا هستند. اگر نیستند چرا در مقابل آن نمی‌ایستند؟ چرا داد نمی‌زنند؟ نمایندگان مجلس‌ها نماینده واقعی نبوده و نیستند. اگر هم یک عده‌ای بودند که نمایندگان واقعی بودند چون در برابر این تصویب‌نامه سکوت کردند، معنی‌اش این است که تأیید می‌کنند این را و...»

این شدت اعتراض امام به عنوان یک مرجع دینی برای حکومت شاه هزینه‌زا بود، از طرفی به دلیل جایگاه اجتماعی آن روز مرجعیت، توده مردم نیز نسبت به مسئله فوق موضع گرفتند و این امر حکومت وقت را تهدید می‌کرد. شاه ایران عملاً مانعی بر سر راه اقدامات خود می‌دید و به زعم خود با دستگیری آیت‌الله خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و تبعید وی به ترکیه این مانع را از سر راه خود برداشت.

حکومت پهلوی برای مدرنیته کردن ایران از هویت ملت خود هزینه می‌کرد تا به پیشرفت برسد و با اقدامات نسنجیده‌ای چون منع حجاب، فاجعه گوه‌رشاد، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، وقایع ۱۵ خرداد و دادن امتیاز شبه کاپیتولاسیون به آمریکا در حالی که هیچ کدام ضرورت نداشت حساسیت‌ها را برانگیخت. مشکل آنجا بود که پهلوی شیپور را از سر گشادش می‌زد، محمد رضا و پدرش برای اعتلای ایران به جای تکیه بر مردم‌شان بر بیگانه تکیه کردند و سر ناسازگاری با هویت مستقل مردم و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی داشتند، دین را مانع پیشرفت کشور می‌پنداشتند درست همان طور که در کعبه آمالشان، غرب نیز

چنین تفکری حاکم بود گویا می‌خواستند چیزی شبیه به رنسانس در ایران رقم بخورد.

این نوع حکمرانی تحقیرآمیز بر مردم مسلمان ایران بالعکس منجر به حرکت بی‌بدیل جامعه ایران برای احیای هویت و استقلال از دست رفته خود شد، نهضتی فراگیر با جلوه‌داری روحانیت در ایران شکل گرفت که از زمان مادها در ایران سابقه نداشت. برای اولین بار در تاریخ مردم سراسر ایران با وجود تمام تفاوت‌های سلیقه‌ای و قومیتی یکدست شدند و تصمیمی واحد گرفتند تا هویت ملی و ارزش‌های توحیدی خود را احیا کنند. در این حرکت البته انگیزه‌های همگان یکسان نبود اما جلوه‌داری و رهبری امام خمینی (ره) نقش کلیدی را ایفا می‌کرد و در نهایت با بازگشت امام از تبعید به ایران در بهمن ۱۳۵۷ به ثمر رسید و به چند هزار سال نظام پادشاهی خاتمه داد و جمهوری اسلامی جایگزین آن شد.



۳. کنوانسیون وین که امروزه مورد توافق تقریباً تمامی کشورهای جهان است برای سفیران و مأموران کنسولی در کشورهای خارجی مصونیت‌هایی را قائل



## بدانیم از پدافند غیر عامل

گردآورنده: سکینه شیوانی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

وَعَلَّمَنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ  
فَهَلْ أُنْتُمْ شَاكِرُونَ

به سود شما صنعتِ ساختنِ پوشش‌های دفاعی را به او آموختیم تا شما را از (آسیب) جنگ‌تان محافظت نماید، پس آیا شکرگزار حق هستید؟

(سوره انبیاء آیه ۸۰)

زندگی انسان همواره باوقوع حادثه عجیب است، مخاطرات متعدد بامنشأ طبیعی یا انسانی به سرعت یک چشم برهم زدن قادر است زندگی را درگون کند و به گونه‌ای نشانه‌های حیات را از پهنه‌های وسیع بزدايد که گویی روزی حتی یک موجود زنده در آن نمی زیست. بر این اساس لزوم رعایت تمهیداتی پیش‌گیرانه جهت مصون داشتن انسان‌ها از خطرات احتمالی از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

پدافند غیرعامل به مجموعه اقدامات غیر مسلحانه‌ای گفته می‌شود که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم

عالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری

ملی و تسهیل مدیریت بحران

در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی

دشمن می‌شود.

اقدامات پدافند غیرعامل شامل پوشش،

پراکندگی، تفرقه و جابجایی، فریب

مکان یابی، اعلام خبر، قابلیت

بقا، استحکامات، استتار، اختفاء،

ماکت فریبنده و سازه‌های امن می‌باشد.

پدافند غیرعامل به عنوان یکی از ساده‌ترین

راه‌ها، کم هزینه‌ترین شیوه‌ها و

صلح‌آمیزترین روش‌های دفاع یک دولت

نظام منحصر به فرد مردم سالاری دینی و به طبع آن وجود دشمن می‌باشد که از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است، هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند زنده نیست، هر

ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست، هر ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند به یک معنا زنده نیست.

(مقام عظمای ولایت)

پدافند غیر عامل یک اصل خواهد بود برای همیشه، نه برای یک مقطع خاصی.

در و ملت در مقابل دشمنان خود؛ از جمله مهم‌ترین عوامل اقتدار و توفیق دولت‌ها در حفظ و گسترش امنیت ملی و زمینه‌ساز توسعه متوازن و پایدار و عامل دست‌یابی به رفاه و توسعه همه‌جانبه است.

با بررسی جنگ‌های گذشته و معاصر، این حقیقت آشکار می‌شود که پدافند عامل در حال حاضر نمی‌تواند به تنهایی در مقابل جنگ افزارهای مدرن، هوشمند و مخرب (مانند مهمات نظامی شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) کارایی کامل داشته باشد فل‌ذا پدافند غیرعامل به عنوان بخشی از اقدامات دفاعی یکی از اولویت‌های امنیتی کشور بوده و با توجه به تهدیدات بالقوه که امنیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشورمان را نشانه گرفته است، ضرورت دفاع کاملاً مشهود می‌باشد.

این امر بخصوص در دورانی که دولت‌های استکباری مستمراً در حال فتنه و دسیسه علیه جمهوری اسلامی ایران به لحاظ قرار گرفتن در

موقعیت ژئوپولیتیکی بسیار حساس و داشتن

### منابع متن فوق:

جهت دسترسی به منبع شماره ۱ اینجا کلیک یا لمس نمایید.

جهت دسترسی به منبع شماره ۲ اینجا کلیک یا لمس نمایید.

## باید به عقب بازگشت

سید محمدعلی علوی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

حمله سایبری اخیر به جایگاه‌های سوخت‌گیری کشور عمداً در زمانی بود که یادآور حوادث تلخ آبان ۹۸ باشد. هکرها (بخوانید اسرائیلی‌ها) در حقیقت در پی اختلال چند ساعته یا چند روزه در سیستم پمپ بنزین‌های کشور نبودند بلکه می‌خواستند تا با این کار خود یادآور آن روزهای تلخ ایران اسلامی باشند، زیرا آن‌ها به کم‌بودن حافظه‌ی تاریخی مردم ایران به خوبی واقف‌اند. با این وجود همه‌ی پیامدهای اختلال و کلافگی عمومی پیش آمده، تلخ نبود.

به فاصله‌ی دو سال در دو بحران از جنس بنزین



در دولت‌هایی با ایدئولوژی متفاوت رفتار رئیس جمهورها کاملاً معکوس بود، رئیسی بین مردم رفت و روحانی از مردم فرار کرد.

مسئله جالب‌تر است وقتی یاد سخنان روحانی در مناظرات سال ۹۶ می‌افتیم، آن دیواری که قرار بود رئیسی بین مردم بکشد روحانی قبلاً کشیده بود اما بین خودش و مردم. باید گفت تفاوت باز خورد جامعه نسبت به این دو رویکرد مدیریتی در بحران از زمین تا آسمان بود.

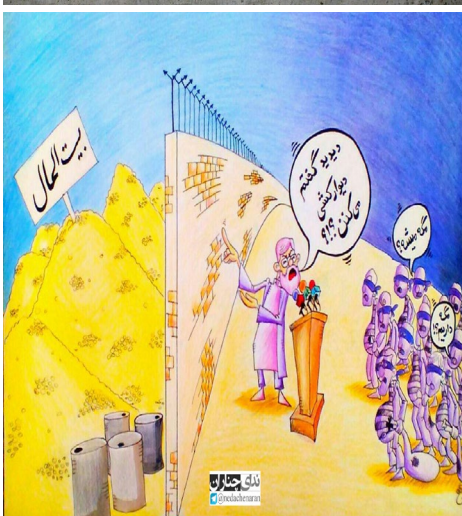
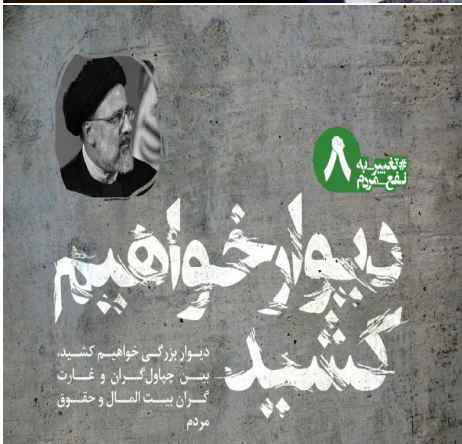
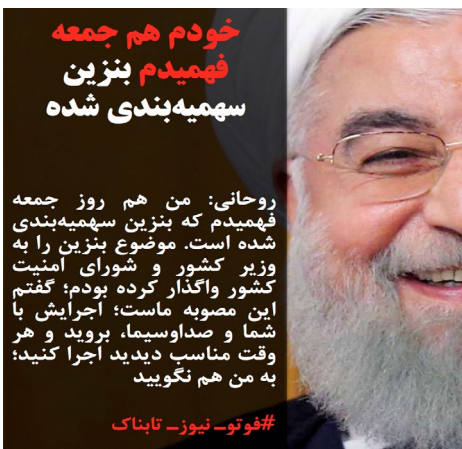
در اینجا باید به دنبال منشأ رفتارها بود، در حقیقت این دو رویکرد متفاوت مدیریتی ناشی از دو تفکر متفاوت است. دولت روحانی همچون دولت‌های هاشمی و خاتمی بر پایه اندیشه لیبرال و نئولیبرالی بنا شده بود که ریشه در دولت سوم و چهارم بعد از انقلاب داشت.

در آن زمان رئیس جمهور وقت آیت‌الله خامنه‌ای و نخست‌وزیر میرحسین موسوی بود، دولت میرحسین در رده‌های کلان مدیریتی طیفی از تکنوکرات‌ها و بروکرات‌های مسلمان را داشت؛ که تفکر شبه‌مدرنیته داشتند و بر اساس اندیشه‌ی خود ریل کج اقتصاد کشور را گذاشتند.

ام‌المصائب مشکلات گذشته و کنونی کشور نیز همین تفکر است. اساساً باید گفت جمهوری اسلامی را چه به اندیشه لیبرال که در معرفت‌شناسی اعم از انسان‌شناسی و جهان‌شناسی با اسلام تضاد و تفاوت بنیادی دارد؟!

در اسلوب اندیشه توحیدی مردم حق انتقاد و اعتراض دارند و حاکم باید گوش شنوا داشته‌باشد، پاسخ‌گوی ملت باشد و آن‌ها را قانع کند، امام‌علی(علیه‌السلام) در جنگ صفین و در سخت‌ترین شرایط جنگی فرمود:

«فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ، وَلَا تَتَحَفَّطُوا



مَنْي بِمَا يَتَحَفَّطُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ، وَلَا تَخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَلَا تَطْلُبُونِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي، وَلَا الْتِمَاسَ إِعْظَامٍ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنِ اسْتِثْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يَقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يَغْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ. فَلَا تُكْفَمُوا عَنْ مَقَالَةِ بِحَقِّ، أَوْ مَشُورَةِ بَعْدَلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُحْطِيَ...»

«پس با من چنان که با حاکمان جبار و سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید، و چنان که از

آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند [ترسید و] دوری نجوید، و با چاپلوسی و ظاهرسازی با من رفتار نکنید، و گمان نکنید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم. زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه‌شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حرف حق، یا ارائه نظر مشورتی عادلانه به من خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید، پس همانا همه‌ی ما بنده پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست...».

مع‌الأسف که در سال ۹۸ گوش شنوایی برای شنیدن درد مردم در کار نبود، نگاه از بالای مسئولان نظام به مردم و بی‌خبری محض مردم از زمان گرانی بنزین یعنی پایمال کردن حقوق مردم مخصوصاً قشر مستضعف و پابره‌نه.

مردمی که راهی جز تجمع کردن برای ابراز خشم خود نمی‌دیدند و این فقدان کانال اعتراض مسالمت‌آمیز در درون به دشمن بیرون فرصت داد تا آن خشم عمومی به حق مردم را به اغتشاش مبدل کند و شد آن چه نباید.

البته اگر خوش‌بین باشیم و کسی را متهم به خیانت نکنیم.

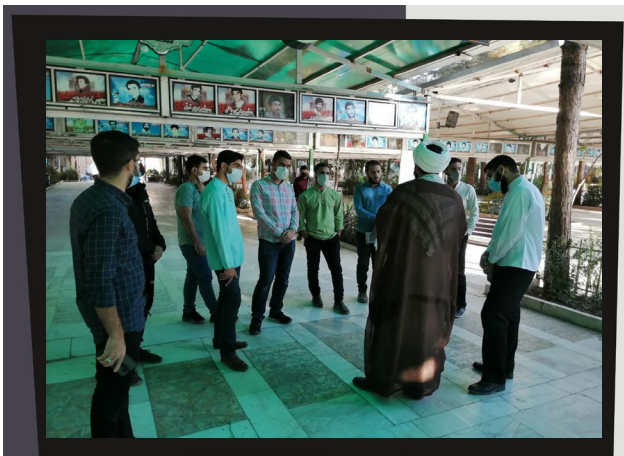
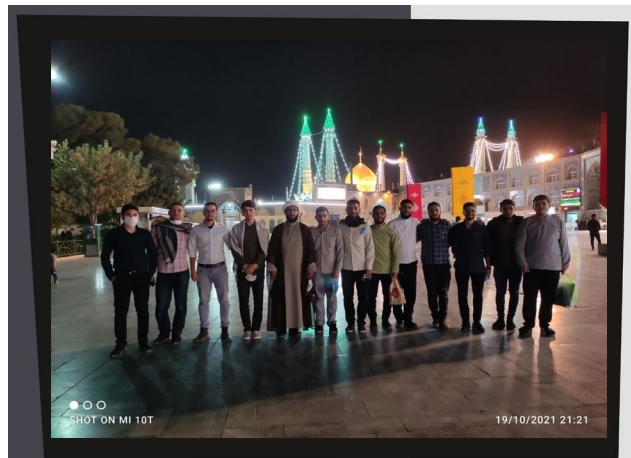
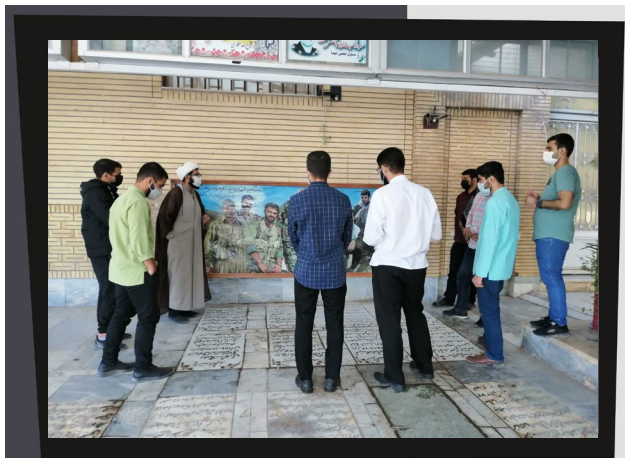
اکنون اما زمان امیدواری و تلاش برای تحقق آرمان‌های روی زمین مانده است، تنها نسخه‌ی برون رفت از مشکلات کنونی کشور بازگشتن به اصل انقلاب است، دولت نو با همه مشکلات عمیق امروز کشور، شعار بازگشت به آرمان‌های انقلاب اسلامی سر داده که در صورت عمل و پافشاری به آن قطعاً موفق خواهد بود و گره‌ها را باز خواهد کرد که «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ».



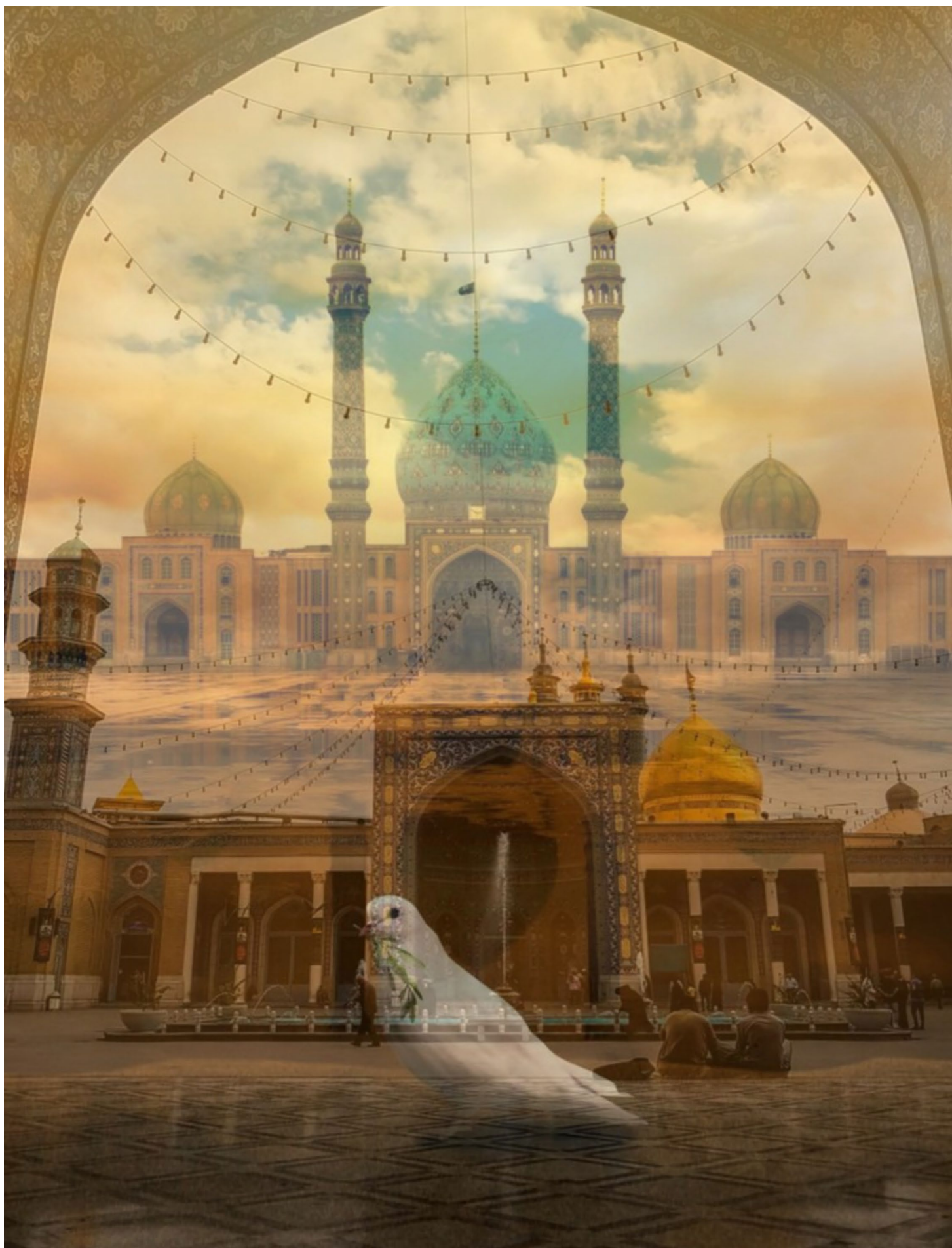
گردآورنده: محمدامین علیدادی

مسئول بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز، اولین اردوی زیارتی - تشکیلاتی خود را در شهر مقدس قم (مؤسسه میقات جوانان انقلاب اسلامی)، در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ لغایت ۱۴۰۰/۷/۲۸ و با هدف انسجام تشکیلات، برگزار کرد.







# \*افتخار آفرینان ماه\*

افتخار آفرینی دانشجویان دانشکده علوم قرآنی شیراز در بیست و ششمین المپیاد علمی دانشجویی کشور سه نفر از دانشجویان دانشکده علوم قرآنی شیراز مقطع کارشناسی در رشته الهیات علوم و معارف اسلامی رتبه‌های سوم و هشتم و دوازدهم، بیست و ششمین المپیاد علمی دانشجویی کشوری را کسب کردند، که اسامی آنها ب شرح زیر می‌باشد:

\*محدثه کشاورزی رتبه سوم

\*سید محمدعلی علوی رتبه هشتم

\*فاطمه رستمی یلمه رتبه دوازدهم

قابل ذکر است خانم فاطمه رستمی یلمه مادر یک فرزند ۴ ساله نیز می‌باشند.

یقیناً این موفقیت بزرگ و مبارک، برگ زرین دیگری است در دفتر افتخارات این دانشکده و آن عزیزان. از این رو این موفقیت بزرگ را به این عزیزان و خانواده‌های گرامی‌شان تبریک و تهنیت عرض نموده، از خداوند منان آرزوی سربلندی و کسب درجات عالییه را خواستاریم.



فاطمه رستمی یلمه

رتبه دوازدهم

سید محمدعلی علوی

رتبه هشتم

محدثه کشاورزی

رتبه سوم



## دردسر های مجازی، این بار از زبان اساتید

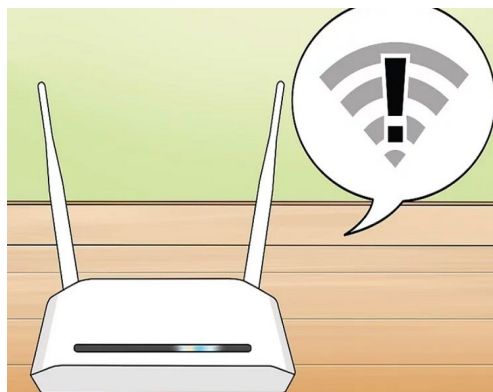
مریم ربی زاده - کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی



بهمن ماه ۹۸ بود و اوایل ترم جدید که اخبار، وجود ویروسی منحوس و ناشناخته را اعلام کرد، به نظر می رسید با ماسک زدن و شستشوی مداوم دست ها و از این قبیل رعایت های ساده همه چیز حل می شود اما ماجرا بسیار ریشه دار تر از این صحبت ها بود قرار بود یک هفته مدارس و دانشگاه ها و سایر اماکن تعطیل شود و پس از یک هفته همه چیز طبق روال سابق پیگیری شود اما حال حساب از دستمان هم خارج شده است که چند هفته از آن یک هفته کدایی می گذرد و هنوز هم روال سابق از سر گرفته نشده است.

و اما در بین این بیماری ها و تعطیلی ها باید بحث آموزش بچه ها از سر گرفته می شد اما این بار نه خبری از دانشگاه بود و نه هیاهوی بچه ها و طنین صدای استاد در راهروهای دانشگاه بلکه بستری فراهم شده بود که هیچ کس نمی داند به یک باره سر و کله اش از کدامین جا پیدا گردید به اسم ادوبی کانکت. اوایل این ادوبی داستان ما با من مشکل خاصی نداشت به راحتی وارد می شدم و در آن سکنی می گزیدم و زمانی که بچه ها اذعان می داشتند که سایت ان ها را به بیرون راهنمایی می کند یا اینترنت آن ها مشکل دارد و مسائل و مشکلاتی از این قبیل را مطرح

می کردند با خود ظن و گمان می بردم به بچه ها که چطور همچین چیزی ممکن است اگر سایت مشکل دارد باید برای همه این گونه باشد یا اگر اینترنت ضعیف است باید برای همه این گونه باشد فکر می کردم اینجا هم پادگان است که یا همه یا هیچ کس... در همین افکار بودم که به یک باره سایت پدرکشتگی خود را با من نیز شروع کرد و خیلی خودمانی بگویم مرا از خود به بیرون راند آن هنگام بود که شروع کردم به سعی در درک مشکلات بچه ها، خیلی وقت بود فراموش کرده بودم همه از امکانات رفاهی یکسانی برخوردار نیستند، به یاد آوردم ممکن است کسی در روستایی دورافتاده زندگی کند که حتی برای زنگ زدن هم آنتن نداشته باشد چه رسد به اینترنت و اگر پس از سعی و تلاش مداوم گوشه ای را پیدا می کند که می تواند به کلاس متصل شود و با صداقت تمام می گوید که استاد ببخشید دیر شد اینترنت متصل نمی شد او را سرزنش نکنم و تهمت تبیل بودن وزیر کار در رو بودن به او نزنم و در آخر هم با بی میلی تمام نگویم بار آخرت باشد وگرنه حذف می شوی و منت بر سر او بگذارم که من تو را حذف نمی کنم بلکه سامانه این کار را خواهد کرد. به یاد آوردم خیلی از این بچه ها روزگاری نه چندان دور شاگرد کلاس های حضوری من



بوده اند و به جز عده ای قلیل که برایشان مجازی و حضوری فرقی ندارد، کلا کلاس بیا نیستند همه سر کلاس هایم حاضر می شدند.

متوجه شدم خیلی از کسانی که سر کلاس هایم حاضر می شدند از بسیاری چیزهایشان می گذشتند و با تحمل بسیاری از سختی ها حضور به عمل می آوردند و چقدر قابل ستایش بودند که برای خودشان، علمشان و کلاس های من ارزشی این چنین قائل می شدند.

شاید مهم ترین درسی که من از این آموزش مجازی گرفتم این بود که بر دیگری سخت نگیرم تا اگر روزی در شرایط مشابه قرار گرفتم بر من سخت گرفته نشود.

درک کنم تا درک شوم...

اگر بخواهم خاطره ای از این کلاس ها برایتان تعریف کنم باید بگویم پشت این صفحات شیشه ای زیاد نمی توان خاطره ای ساخت که خیلی ماندگار و به یاد ماندنی باشد و جز داستان های تقلب بچه ها و شیطنت هایشان که اکثرا شنیده و شاهد آن ها بوده اید چیز بیشتری ندارم که بگویم البته آدم متقلب در هر شرایطی متقلب می کند و آدمی که اهل تقلب نباشد تحت هر شرایطی تقلب نمی کند و این امری است بسیار بدیهی. سخن آخر من برای شما دانش پژوه عزیز این است که تحت هر شرایطی درستان را خوب فرا بگیرید و سوادتان را افزایش دهید چون آیندگان هیچ بهانه ای را از شما نخواهند پذیرفت و تحت هیچ شرایطی از اصول و وظایف انسانی تان غافل نشوید چرا که تنها همین چیزهاست که می ماند.

یا حق



✍️ امیر محمد فقیه نژاد - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

باسلام و درود

از این دانشجوی ترم آخر سرپا معصیت به دانشجوی قلیل (اندک) ترم عزیز.

و اما بعد...

چنتا مطلب یا توصیه که تو به جلسه خلاصه نمی‌شه و باید جلسات پیرامون موضوع حرف زده بشه و امیدوارم مفید واقع بشه.

مورد اول عشق و عاشقی‌های ترم اوله که این طوره صبح عاشق، عصر فارغ 😊

مورد داشتیم هفته اول ترم یکی عاشق شده رفته صحبت‌ها رو بکنه خانومه گفته پسرم من ترم آخر ارشدم، دارم رو پایان نامم کار می‌کنم 😊 آره حواستون باشه...

مورد بعد تو جو قرار گرفتن‌های سطحی و زود گذره

چطور؟ این‌طور که مورد داشتیم- این که می‌گم مورد داشتیم، ما واقعا داشتیم شوخی نمی‌کنم 😊

شبای اول ترم یک تمام اعمالی که شیخ عباس قمی تو مفاتیح‌الجنان آورده رو رعایت می‌کرده حتی بعضاً فراتر می‌رفته که شیخ عباس کفش می‌بریده می‌گفته حاجی دس خوش این اعمالم



بوده و ما خبر نداشتیم؟ 😊 آره بعد از چندوقت

برای یه جلسه قرآن یا هیئت باید کولش می‌کردی تا تو نمازخونه با هزار سلام و صلوات بیاد.

یا یه مورد دیگه این دفعه رونمی‌گم مورد داشتیم می‌گم مورد بودیم 😊 تحت تاثیر جو مسائل

فرهنگی بعضاً تا سه و چهار صبح مشغول بحث بودیم تو اتاق و انصافاً سر چیزای بحث می‌کردیم

که تو شورای عالی انقلاب

فرهنگی بحث نمی‌شد از تأثیر برگزیت تو جامعه پست‌مدرن انگلیس در مقابل حمایت ایران از

حزب کارگر 😊 تا مهاجرت گرازهای کنیا و تاثیر آن بر سردی روابط زن و شوهر. آره 😊

مورد بعد که می‌خوام عرض کنم خدمتتون محل خوابگاه‌هاست. خوابگاه خواهران و

دانشکده یه جا قرار داره که به شهید مطهری یا زرگری معروفه و ساختار اجتماعی بسیار پایین و

منطقه‌ای محرومه 😊 خدایا چقدر تبعیض پس عدالت اجتماعی کجاست...؟

خوابگاه برادران در یک محله دنج و خوش آب و هوا محله‌ای آرام با آرامش درونی معرکه که محل

ثابت کلاس‌های یوگا و مدیتیشن هست امکاناتی فول آپشن و در دسترس بودن تمام مراکز شهری،

هووووووو... جونم برات بگه خواهری آره، هیچی کم‌وکسر نداشت. یه رقابت سخت و نفس‌گیر هم با

معالی‌آباد داشت. از امکانات محله بگذریم به اصل کاری می‌رسیم به دارالرحمه شعبه علوم قرآنی...!

خوابگاه برادران شباهت بی‌حدوحصری با قبرستون شیراز- دارالرحمه- داشت انگار یک

روح در دو مکان بودن. یعنی تو خوابگاه برادران همیشه یاد مرگ- این سفارش عظیم خداوند-

زنده بود.

از راه‌روی منتهی به اتاق‌ها که شبیه راه‌روهای

قبور بود تا تراکم بیش از حد جسد در اتاق‌ها...

بخشید دانشجوی در اتاق‌ها.

کمبود جا مثل دارالرحمه و تخت‌هایی که مانند

سنگ خصال‌خانه میزبان لاشه بی‌رمق ما بودند.

ابتکاری نوین با مهندسی معکوس از قبرستون...

اوووف نگم براتون...

این‌ا گوشه‌ای از دریای رحمت دانشکده علوم

قرآنی شیراز بود.

امیدوارم لذت برده باشیم تا نشریه‌ای دیگر

خدارو به شمای بزرگ می‌سپارم 😊 ببخشید بزرگ

رو به شمای خدا می‌سپارم آخ بازم ببخشید. ولش

کن 😊

تا بورودی دیگر درود.

اینم نشد...

عامو خسته شدم همی خدافظی خودومون

خداحافظ.



علی نصیریان - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

سلام بر دوستان عزیز و هم دانشگاهی های گرمی  
خب خب!  
نوبتی هم باشه نوبت معرفی یه سایت درجه یک به شما همراهان عزیزه.

تا حالا شده دنبال یه فیلم و مطلب آموزشی خوب و رایگان در مورد عکاسی و فتوشاپ باشی؟ یا شده دنبال فیلم های خام و فیلم های هوایی درجه یک باشی ولی پیدا نکنی؟

اصلا تا حالا اسم "عصر انتظار" به گوش تون خورده؟

یه سایت خیلی عالی با مطالبی بسیار کاربردی برای دوستانی که علاقه مند به تحقیق و تولید محتوای رسانه ای هستند.

سایتی که در موردش حرف زدم آدرسش این است: [www.asr-entezar.ir](http://www.asr-entezar.ir) هست.

بله سایت ((عصر انتظار))

خب حالا بریم داخل سایت و یکم با فضای سایت آشنا بشیم و یه توضیح در مورد سایت بدیم: وقتی وارد سایت می شین، در صفحه اصلی می تونید با انتخاب گزینه ((منو)) بخش های

مختلف سایت رو مشاهده کنید.

در بخش ((مهدویت)) مطالب بسیار زیاد و عالی در رابطه با مهدویت و حضرت ولی عصر (عج) وجود داره و دوستانی که در موضوع مهدویت تحقیق می کنن می تونن از این بخش بسیار بهره ببرن.

در قسمت ((آموزش)) که بخشی بسیار کاربردی برای علاقه مندان به تولید محتوای رسانه ای هست، آموزش های بسیار عالی در مورد

عکاسی، کار با نرم افزارهای کامپیوتری (مانند فتوشاپ) و... موجوده.

و اما بریم سراغ ((تصاویر مذهبی)): فایل های لایه باز تصاویر مربوط به نام های مبارک خداوند، اهل بیت علیهم السلام، آیات قرآن کریم، احادیث، ماه رمضان، شهدا، امام خمینی (ره) و... داخل این قسمت هست و به فعالان تولید محتوا پیشنهاد می کنم که حتما به این بخش سر بزنین.

خب حالا دیگه وقت رونمایی از بخش فوق العاده و جذاب این سایت یعنی بخش ((فیلم های خام)) که انواع فیلم های خام جذاب کاربردی و مذهبی از جمله فیلم های خام حرم اهل بیت علیهم السلام، فیلم های هوایی، فیلم های خام مربوط به انقلاب اسلامی ۵۷، فیلم های خام دفاع مقدس، اربعین و... وجود داره که واقعا عالی و توصیه می کنم از دست ندید.

در قسمت بانک صوت و فیلم، ماهنگ های مذهبی زیادی وجود داره که می تونید از اون ها

استفاده کنید.

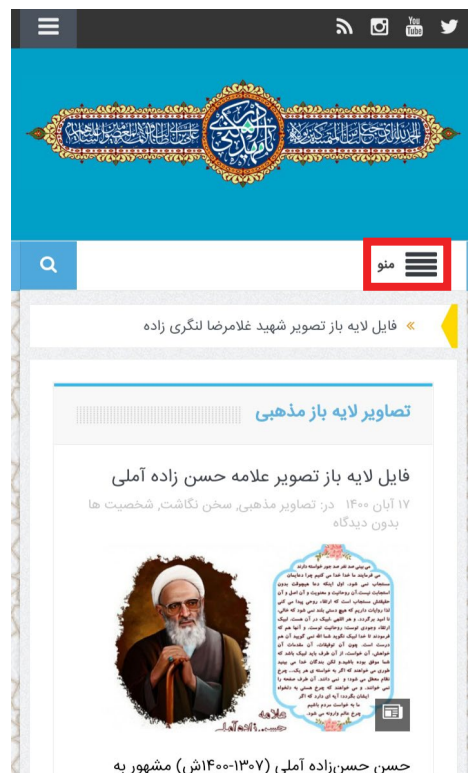
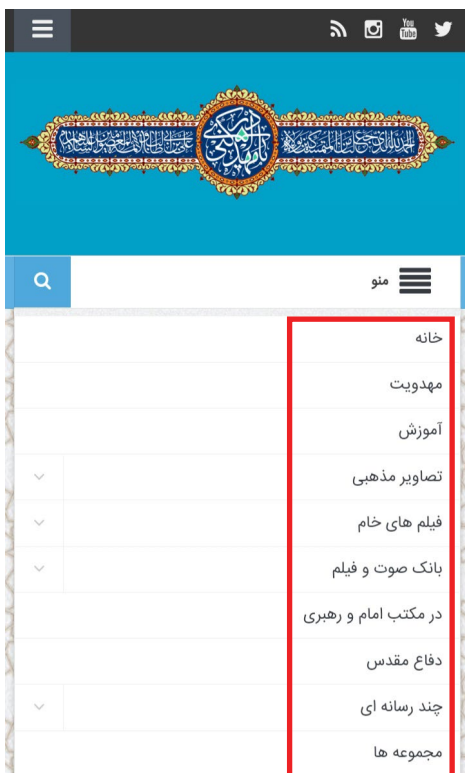
سایت عصر انتظار همچنین بخش های جذاب دیگری از جمله دفاع مقدس، کتابخانه، پیامک های مذهبی و... داره که می تونید مورد استفاده قرار بدید.

و اما نکته آخر این که، شما می تونید به تمام این بخش ها به صورت رایگان دسترسی داشته باشید و فیلم های خام و فایل های لایه باز و آموزش های موجود در این سایت رو به صورت رایگان دانلود کنید و مورد استفاده قرار بدید.

خلاصه که دم مدیران و دست اندر کاران این سایت درجه یک گرم.

ممنون که وقت گذاشتید و این مطلب رو مطالعه کردید، سرتون رو درد نیارم، ان شاء الله شما دوستان عزیز در پناه خداوند متعال و زیر سایه اهل بیت علیهم السلام موفق و سربلند باشید.

خدا حافظ شما.





# مجازی ماه

در پی سخنان حاج علی اکبری و در تب و تاب عدالت خواهی، بخوانیم و بدانیم راه درست عدالت خواهی را به نقل از خبرگزاری فارس.



## کوثر شاه خراسان

✍️ **مجتبی حمیدی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث**

حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) از امامزادگان مشهور و مدفون در شهر قم است که دارای حرم و بارگاه مجلله و محل زیارت دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) می باشد.

در سال ۲۰۱ هجری قمری وقتی مأمون عباسی حضرت امام رضا (علیه السلام) را به عنوان ولیعهد خود تعیین نمود و به خراسان برد، حضرت معصومه (سلام الله علیها) برای دیدار برادر، عازم خراسان گردید، اما در راه بیمار شد و در دهم ماه ربیع الثانی، در سن بیست و هشت سالگی، در شهر قم درگذشت و به خاک سپرده شد. برخی علت درگذشت ایشان را مسمومیت و برخی غم و اندوه ناشی از کشته شدن برادران و برادرزادگان خویش در ساوه توسط ماموران عباسی دانسته اند. حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) دارای شخصیتی رفیع و والا مقام است؛ به طوری که ائمه طاهرین (علیهم السلام) از این بانو، با جلالت و تکریم یاد کرده اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از ولادت پدر بزرگوارش، نام او بر لسان بعضی از ائمه (علیهم السلام) آمده و از مقام والای او سخن گفته اند.

پس از رحلت حضرت معصومه (سلام الله علیهم) زنان آل سعد بی بی فاطمه معصومه را غسل دادند و کفن کردند. سپس جسم مطهر آن حضرت به باغ موسی بن خریز (محل فعلی حرم مطهر ایشان) برده شد. در آن هنگام میان اشعریان (آل سعد) بر سر این که چه کسی شایستگی دفن آن بدن مقدس را دارد اختلاف روی دارد... ناگهان دو سوار نقاب دار از طرف رودخانه قم به پیش



مبلغ اجتناب می کند و حاضر به برگرداندن پول نیست. در این شرایط لازم است پیگیری قضایی انجام شود.

پیگیری قضایی برای واریز اشتباه پول در خصوص این موضوع، موادی از قانون مدنی ایران، به رد مالی که بدون استحقاق گرفته شده است، اشاره دارد. ماده ۳۰۱ قانون مدنی بیان می کند: کسی که به طور عمد یا به اشتباه چیزی را که مستحق نبوده، دریافت کند، ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند. همچنین ماده ۳۰۳ این قانون نیز عنوان می کند کسی که مالی را زمانی که مستحق نبوده دریافت کرده است، ضامن اصل مال و منافع آن است اعم از این که به عدم استحقاق خود آگاهی داشته یا نداشته باشد.

بنابراین، شخص مال باخته می تواند با مراجعه به شورای حل اختلاف یا دادگاه، با استناد به فیش های واریزی، نسبت به پس گرفتن وجه خود اقدام کند و ضمن دادخواست مطالبه تأمین خواسته که رسیدگی فوری می باشد جهت توقیف سریع حساب اقدام نماید. باید در نظر داشت اگر فردی به اشتباه مبلغی را برای کسی کارت به کارت کرده و برای پس گرفتن آن به مراجع قضایی مراجعه کند، اثبات وقوع اشتباه و عدم بدهی وی به آن فرد، بر عهده شخصی است که مبلغ را اشتباه واریز کرده است.

## دانستنی های حقوقی

✍️ **علی کریم آقایی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث**

آیا می توان پولی را که به اشتباه به حساب دیگری واریز شده را پس گرفت؟  
قانون درباره چگونگی دریافت پول هایی که بصورت اشتباه به حساب های دیگر واریز شده اند توضیحاتی دارد.

کسی که به اشتباه پولی را به حساب دیگری واریز کرده است برای پیگیری باید به بانک مربوطه مراجعه و درخواست کند تا به نوعی بتواند با شخصی که پول به حساب او واریز شده تماس بگیرد. در این شرایط معمولاً شعبه بانک برای ارائه اطلاعات تماس با شما همکاری می کند، اما اگر شعبه به دلیل حفظ حریم خصوصی مشتریان حاضر به انجام این کار نشد، می توانید از کارکنان بانک بخواهید خودشان با دریافت کننده وجه تماس گرفته و درخواست استرداد (برگرداندن) پول کنند.

اما گاهی بعد از واریز اشتباه پول به حساب دیگری، شخص دریافت کننده پول، از استرداد







آمدند و وقتی نزدیک بدن مطهر رسیدند از اسب پیاده شدند. نخست بر آن نماز گزارند و سپس وارد سردابی که برای تدفین وی مهیا شده بود، شدند و به کمک یکدیگر او را به خاک سپردند و بدون این که با کسی سخن بگویند آن محل را ترک کردند. کسی نفهمید آنان چه کسانی بودند. برخی از محققان احتمال داده اند که این دو سوار امام رضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) بوده اند.

ما هم به نوبه خودمان شهادت کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) را به همه ی دوستداران اهل بیت تسلیت می گوئیم.

## ۱۳ سال هم کافی است!

فاطمه قرآنی - کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

"نوجوان ۱۳ ساله ای زیر تانک رفت و توانست با این کارش در پیش روی دشمن وقفه ایجاد کند" شب ۱۳ آبان در حالی که خانواده مشغول خوردن شام بودند، این خبر از رادیو پخش شد. لقمه از دست مادر بر زمین افتاد و با بهت گفت: این کار محمدحسین، پسر من است...

اردیبهشت ماه سال ۴۶ در ایام محرم بود که به دنیا آمد. پدرش به دلیل ارادت ویژه ای که به امام حسین علیه السلام داشت، او را محمدحسین نامید؛ به این نیت که عملش نیز همانند نامش حسینی شود.

دوران دبستان را تا چهارم ابتدایی در همان قم، گذراند و بعد با خانواده به کرج نقل مکان کردند. محمد حسین شجاع، فعال، کوشا و خوش برخورد بود و به مطالعه علاقه زیادی داشت و با وجود آن که به سن تکلیف نرسیده بود، نماز می خواند و همچنین برای والدین خود احترام خاصی قائل بود.

عراقی ها می رود و لباس و اسلحه ای از آن ها به دست می آورد؛ بعد در هیئت یک عراقی به نیروهای خودی نزدیک می شود، به طوری که همزمان، عراقی کوچکی را مشاهده می کنند که به طرف آنان می آید! نزدیک تر که می شود، می بینند حسین است که خواسته ثابت کند که می تواند با دست خالی هم با عراقی ها بجنگد و شهادت و لیاقت حضور در خط مقدم را دارد.

مسئول گروه هم که به توانمندی و و اراده پولادین حسین برای رزم در جبهه اعتماد و اطمینان پیدا می کند، به او اجازه ماندن در جبهه را می دهد.

روزی که هم سن و سالش محمد رضا شمس در مقابل با هجوم عراقی ها مجروح شد، حسین با سختی و زحمت زیاد او را به پشت خط می رساند و به سنگر برمی گردد که متوجه می شود تانک های عراقی به طرفشان می آید و درصدد است آن ها را محاصره کند. تصمیمش را بدون تردید و دغدغه گرفت و با اراده ای محکم با نارنجک هایی که به کمر بسته بود، زیر بارش تیر و گلوله، به سمت تانک ها دوید.

محمد رضا متوجه تصمیمش می شود و خطاب به بقیه رزمندگان فریاد می زند "حسین ریزه را

با شروع جنگ تحمیلی، محمد حسین تصمیم گرفت به جبهه برود. او این کار را تکلیفی الهی برای خود می دانست.

یک روز که برای خرید نان از خانه خارج شده بود، تصمیم نهایی اش را برای رفتن گرفت. پول نان را به یکی از دوستان داد تا برای خانواده اش نان بخرد و به او سفارش کرد تا سه روز به کسی، چیزی نگوید تا او از این جا دور شود.

دوست او یکی، دو روز بعد خبر را چنین می دهد که: من رفتم جبهه نگران من نباشید.

در جبهه که بود قصد رفتن به خط مقدم را کرد ولی فرمانده به دلیل سن کمش به او اجازه نداد. چشمان حسین پراز اشک شد و با ناراحتی به فرمانده گفت که: من به شما ثابت می کنم که می توانم به خط بروم و لیاقت آن را دارم.

او برای اثبات لیاقت خود به تنهایی به میان

## یازدهمین عشق

رقيه صفائیان - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

صلوات خاصه امام حسن عسکری (علیه السلام)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَبِيِّ  
الثَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيِّ ۚ خَازِنِ عِلْمِكَ  
وَ الْأُمْدُكْرِ بِتَوْحِيدِكَ وَ وَلِيِّ أَمْرِكَ وَ خَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ  
الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَ الْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ  
عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَانِكَ  
وَ حُجَجِكَ وَ أَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

خدا یاد رود فرست بر حسن بن علی بن محمد،  
نیکوکار، پرهیزگار، صادق، وفادار، نور تابنده،  
خزانه دار دانشت، به یاد اندازه توحیدت، و ولی  
امرت، و یادگار پیشوایان دین، آن راهنمایان  
رشد یافته، و حجت بر اهل دنیا، پس بر او درود  
فرست، ای پروردگار، برترین درودی که بر یکی  
از برگزیدگان و حجت هایت، و اولاد رسولانت  
فرستادی، ای معبود جهانیان.

السلام علی الحسن العسکری

یازدهمین اختر تابناک پرفروغ ولایت و امامت  
امام حسن عسکری (علیه السلام) نام دارد ایشان  
در روز هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۱ هجری قمری  
از مادر گرامی شان خانم حدیثه خاتون در شهر  
مدینه پا به عرصه وجود گذاشتند. پدر ایشان امام  
علی النقی (علیه السلام) می باشد. معروف ترین  
لقب این امام همام عسکری می باشد. ایشان در  
سن ۲۳ سالگی به مقام امامت رسیدند و به مدت  
۶ سال امامت کردند و رهبری جامعه را برعهده  
داشتند. از صفات بارز این امام بزرگوار می توان  
به سخاوت، بخشش، عبادت، مهربانی، صبر و  
بردباری اشاره کرد. نهادینه کردن تفکر مهدویت  
برجسته ترین بخش زندگی امام حسن عسکری  
بود. امام حسن عسکری زمان زیادی از زندگی

بگیرید" ولی بقیه وقتی متوجه حسین می شوند

که با زانوهای مجروح به زمین می خورد و...

شش دقیقه بعد تانک آتش گرفت و محمد  
حسین با واژه های دلآوری و فداکاری و ایثار به  
تاریخ و همزمان شهیدش پیوست.  
همیشه ممکن است به کار بزرگ یک کودک یا  
نوجوان، توسط بزرگ ترها برچسب "جوزدگی"  
بخورد ولی کفایت به زندگی و منش او و تربیت  
خانوادگیش نگاه کرد تا فهمید "هیچ چیز اتفاقی  
نیست!" و "شهادت" یک روزه حاصل نمی شود.

در ادامه ی جمله ی معروف امام (ره)، درباره ی  
شهید حسین فهمیده، به قلب بزرگ او اشاره  
می کنند و می فرمایند:

«رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با  
قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم  
بزرگ تر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن  
انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت  
شهادت نوشید».

شهید سید مرتضی آوینی حسین فهمیده را  
بسیار زیبا، با کلمات، به تصویر می کشد و حسن  
ختانی برای متن ما می شود:

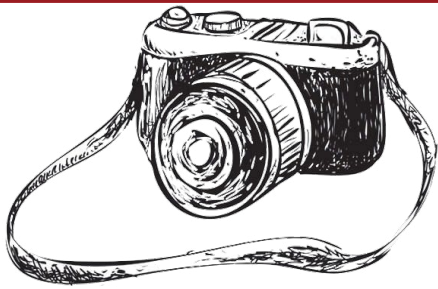
«خرمشهر از همان آغاز خونین شهر شده بود...  
آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت  
رسیدند و پیکرهایشان زیر تانک های شیطان  
تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و آتش پیوست  
اما... راز خون آشکار شد. راز خون را جز شهدا  
در نمی یابند. گردش خون در رگ های زندگی  
شیرین است. اما ریختن آن در پای محبوب،  
شیرین تر... شایستگان آنانند که قلبشان را عشق  
تا آنجا انباشته است که ترس از مرگ جایی برای  
ماندن ندارد. شایستگان جاودانانند...»

خود را در زندان های خلفای عباسی گذراندند  
و ارتباطشان با شیعیان بسیار محدود بود. امام  
حسن عسکری درسین کودکی به همراه پدرشان  
به اجبار خلفای عباسی به عراق رفتند و در شهر  
سامرا که پایتخت عباسیان بود ساکن شدند،  
ایشان بیشتر سال های زندگی خود را به خصوص  
زمان امامت را نیز در سامرا تحت نظر خلفای  
عباسی سپری کردند.

این خلفا چون از نفوذ اجتماعی امام نگران  
بودند رفت و آمد شیعیان را به منزل ایشان زیر نظر  
داشتند و امام نیز از طریق یاران و نمایندگان خود  
بامردم در ارتباط بودند که یکی از نمایندگان ایشان  
عثمان بن سعید نام داشت که نایب خاص امام  
زمان بود، اما دشمنان دین و تشیع تاب و توان  
دیدن ولایت و امامت و هدایت این امام عزیز را  
نداشتند و سرانجام در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰  
هجری قمری در شهر سامرا و به دستور معتمد  
عباسی ایشان را مسموم و به شهادت رساندند.  
پیکر مطهر ایشان در کنار مرقد پدر بزرگوارشان  
در سامرا دفن شد که این مکان زیارتگاه عاشقان  
و دلدادگان به این امام همام شد. امام حسن  
عسکری در وصف فرزند گرامی شان حضرت مهدی  
فرموده اند: چون او قیام نماید بین مردم براساس  
دانش خود حکم کند همانند قضاوت حضرت  
داود، و درخواست شاهد نمی کند.

یا امام حسن عسکری تو آمدی و کوچه های  
مدینه را شکوفه باران کردی و آمدی تا امانت را به  
دست آخرین حجت خدا بسپاری. ای پدر آخرین  
حجت خداوند با آمدنت مدینه دامن از عطر گل  
های محمدی پر کرد و کوچه باغ های مدینه به  
پیشواز نفس های بهاری ات آمدند تا خاطر عبور  
عطر پیامبر را از دلتنگی هایشان مرور کنند.  
آمدی تا تکیه گاه باشی، دینت را به دنیا





## عکاس باشی

فاطمه شیرعسکرپور - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

این که شما هدف خاصی از تشکیل گروه عکاسی تون داشتید درسته؟

✓ بله همین طوره، بسیاری از زوج‌های جوان برای مراسم عقد و عروسی خودشون سراغ هر عکاسی نمیرن و گاهی به دلیل عدم اطمینان قید اون رو هم میزنن. در همان ابتدای کار تصمیم داشتیم لحظه‌های شادی و تکرار نشدنی زوج‌هایی رو ثبت کنیم که دغدغه دارن عکاس اون‌ها نسبت به کارش متعهد باشه و اعتماد کاملی داشته باشن؛ مثل زوج‌های مذهبی. این نیاز رو دیدیم و به اون به دید یک فرصت نگاه کردیم چون هم ما تجربه‌ی لازم رو کسب می‌کردیم و هم از لحاظ مادی کمکی به زوج‌های جوان می‌شد. این طوری لنز دوربین ما به سلیقه‌ی اون‌ها تنظیم می‌شد.

? مضماری: برای شروع کار چقدر هزینه کردید؟

✓ قطعاً نیاز به یک دوربین عکاسی دارید. متأسفانه قیمت‌ها به شدت افزایش پیدا کرده به طوری که کم‌ترین قیمت برای یک دوربین حرفه‌ای ۱۵ میلیونه. اما خوبی عکاسی اینه که شما لزوماً نیازی به جا و مکانی ندارید و بدون اون‌ها هم می‌تونید درآمد داشته باشید.

? مضماری: از چه طریقی به اطلاعات روز عکاسی دست پیدا می‌کنید؟

✓ مطمئناً به روز بودن در عکاسی لازمه و همیشه بهترین و در دسترس‌ترین گزینه اینترنته و اطلاعات خوبی رو هم به دست میارم.

? مضماری: این که هم دانشجو هستید و

عکاسی، این هنر جذاب و دوست‌داشتنی خیلی وقته که طرفدارهای زیادی پیدا کرده. از زمان محمدشاه قاجار که اولین دوربین عکاسی وارد ایران شد تا الان که همه ما با گوشی هامون کلی لحظات به یادموندنی رو ثبت می‌کنیم خیلی می‌گذره اما روز به روز عاشقان ثبت خاطرات بیشتر شدن به همین دلیل من هم مصاحبه‌ای با یکی از دانشجویان خوش ذوق عکاس خواهم داشت.

? مضماری: لطفا خودتون رو معرفی کنید.  
✓ با سلام مائده احمدپور هستم. در رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی تحصیل می‌کنم و به مدت یک‌سال عکاسی رو به طور جدی انجام می‌دم.

? مضماری: کی و چطور شد که به عکاسی علاقمند شدی و از کجا شروع کردی؟

✓ از ابتدا به عکاسی علاقمند بودم و دوست داشتم که این علاقه رو عملی کنم. با خرید دوربین عکاسی شروع کردم. تا مدت‌ها از خانواده، فامیل، طبیعت و هر سوژه‌ای که ایده‌ی بهتری به من می‌داد عکس می‌گرفتم. اطلاعات خودم رو از اینترنت و شرکت در چند دوره‌ی عکاسی افزایش دادم و در حال حاضر با دو نفر از دوستانم یک تیم عکاسی رو تشکیل دادیم.

? مضماری: در حال حاضر در چه زمینه‌ای عکاسی می‌کنید؟

✓ تیم ما از مجالس عقد و عروسی عکاسی و فیلم‌برداری می‌کنه و البته عکاسی از مراسم‌های مذهبی رو هم انجام می‌دیم.

? مضماری: با صحبت‌هایی که داشتیم مثل



ای پدر مهدی فاطمه خوش آمدی و با آمدنت یازدهمین چراغ پرفروغ هدایت و ولایت شدی. بی‌گمان فرزندت مهدی صاحب الزمان حجت خدا بر روی زمین خواهد بود و با قدم‌های سبز و بهاری اش جهان را اصلاح خواهد کرد، در روزگاری که مردم از ظلمت و بیداد و شقاوت و بی‌مهری‌ها خسته شده‌اند خواهد آمد و ورق زندگی‌مان را بر خواهد گرداند به سوی دنیایی پراز آرامش و مهربانی‌ها.

مهدی جان چه جمعه‌ها که از فراغت اشک ریختیم و غروب‌های جمعه‌ها را با دلی‌آکنده از اندوه به شب سپردیم و نیامدی. مهدی جان شک ندارم به این حقیقت که تو شبی پرستاره می‌سازی و اگر خون سرخ لازم بود کربلا را دوباره می‌سازی.



هم عکاس مشکلی رو برای شما به وجود نمیاره؟

✓ خب سختی‌های خودش رو داره و سعی می‌کنم تعادلی رو بین هر دو برقرار کنم. قطعاً علاقه‌ای که به عکاسی دارم باعث می‌شه که سختی‌هاش رو هم به جون بخرم.

مضمّنار: در حال حاضر به کدوم یک از آرزوهاتون در عکاسی رسیدید؟

✓ ما تازه اول راهیم و بیشتر تلاش مون این هست که تجربه‌های خوبی رو کسب کنیم و روز به روز حرفه‌ای‌تر بشیم. پیش‌روی ما راه طولانی وجود داره. امیدوارم که بهشون برسیم.

مضمّنار: از عکس‌هایی که تا الان گرفتید کدوم رو بیش‌تر دوست دارید؟ و داستان پشت اون عکس چیه؟

✓ این عکس تصویر یک بانوی روستایی هست که برای کمک مالی به خانواده‌اش قالی می‌بافه تا جهیزیه‌ی دخترش رو فراهم کنه. این عکس برای من خیلی تأثیرگذاره.

و حالا چند سوال فانتری!

مضمّنار: عکاسان مورد علاقتون؟

✓ من به دنبال عکاسان معروف جهانی نیستم که بخوام بگم کار کدوم‌شون رو دنبال می‌کنم اما همیشه سعی می‌کنم در زمینه‌ی فعالیت خودم کارهای عکاسان حرفه‌ای شیراز و کشور را دنبال کنم.

مضمّنار: در کیف دوربین عکاسی مائده احمدپور چه می‌گذرد؟

✓ قطعاً دوربین آخرین چیزی هست که در آن قرار می‌دهم. معمولاً در هر قسمت کیف من دستمال کاغذی‌های زیادی پیدا می‌شه. لوازم شخصی، وسایل دوربین و یک پک لنز موبایل همیشه همراه من هست.



مضمّنار: یک کتاب درباره‌ی عکاسی معرفی کنید؟

✓ من هیچ کتابی درباره‌ی عکاسی نخوندم. تمام اطلاعاتم را تجربی به دست آوردم. لزوماً کسب اطلاعات به شیوه تئوری اولین راه نیست.

مضمّنار: بهتر است برای عکاسی با تلفن همراه چه نکاتی رو رعایت کنیم؟

- ۱. حتماً از خطوط راهنما استفاده کنید.
- ۲. لنز دوربین‌تان را همیشه تمیز کنید.
- ۳. تنظیمات دستی دوربین را به طور صحیحی درست کنید.
- ۴. عکاسی با نور هم پیشنهاد خوبی هست.

مضمّنار: توصیه‌های برای عکاسان تازه کار؟

✓ در ابتدا کادربندی و اطلاعات عکاسی‌شون رو بالا ببرن و با دوربین‌های معمولی کار کنند. تجربه‌ی لازم رو که کسب کردند بعداً اقدام به خرید دوربین حرفه‌ای کنند.

مضمّنار: از درآمدی که از عکاسی دارید راضی هستید؟

✓ پیش‌تر هم گفتم من و دوستانم به دنبال کسب تجربه و کمک به زوج‌های جوان هستیم اما معمولاً درآمد ما صرف تکمیل تجهیزات عکاسی‌مون می‌شه.

مضمّنار: نظرتون رو در مورد عکاسی بگید و این‌که چه حسی بهش دارید؟

✓ عکاسی برای من آرامش‌بخشه و در عین حال که آرومتون می‌کنه حوصله‌ی زیادی هم می‌خواد.

مضمّنار: کلام آخر؟

✓ اول از زندگی خودتون یه قاب قشنگ بسازید بعد به فکر این باشید که دنیای بیرون رو به تصویر بکشید. آدرس پیج عکاسی در اینستاگرام: (کلیک یا لمس نمایید)



<https://instagram.com/edna>

[artgroup?utm\\_medium=copy\\_link](https://www.instagram.com/artgroup?utm_medium=copy_link)



فالویش کرده‌اند نداریم، برای خیلی از کارهای بد یا حتی کارهای خوب‌مان دلیلی نداریم...  
انگار آدم‌ها را هم یا تماماً سفید می‌بینیم یا تماماً سیاه. اگر کسی یک کار اشتباه کرد و صد کار خوب، ما گیر می‌دهیم به همان یک کار بدش و کلاً از دایره‌ی خوب‌ها پرتش می‌کنیم بیرون. ما خیلی فکر نمی‌کنیم و البته واقعاً فکر کردن این روزها سخت شده! دنیای مدرن خیلی دلش نمی‌خواهد که ما فکر کنیم، ما همین که مصرف‌کننده‌های خوبی باشیم کافی است. به قول آیت‌الله حائری: «استعمار گُنه، استعمار نظامی است؛ استعمار نو چه استعماری است؟ استعمار یعنی تعطیل فکر. نه به آن معنا که اجازه ندهد شما فکر کنید، بلکه به آن معنا که فرصت ندهد شما فکر کنید؛ آن‌هم نه به این صورت که اگر فکر کردید شما را بزند؛ نه، بلکه اجازه ندهد نیازها، شما را به فکر وادارد. می‌خواهد به مجرد اینکه نیازی پیدا کنید، از شما رفع نیاز کند؛ این یعنی تعطیلی فکر... استعمار به همین روش جلوی تفکر را می‌گیرد. استعمار می‌خواهد اصلاً تو «نیازی» به فکر نداشته باشی...»



دیدید آدم‌هایی را که شیفته‌ی یک نفر می‌شوند؟ دیدید آدم‌هایی را که طرفدار یا اصطلاحاً فن یک بازیگر یا خواننده‌ی مشهور می‌شوند؟ یعنی خیلی دوستش دارند؛ از خودشان بیشتر، از خانواده‌شان بیشتر...

تا حالا دقت کرده‌اید که بت را فقط آزر-عموی حضرت ابراهیم- نمی‌ساخت و ما هم بت‌سازان قهار می‌هستیم؟ ما از آدم‌ها بت می‌سازیم و شروع می‌کنیم به پرستش‌شان، بعد وقتی اشتباهی کردند، توجیه می‌کنیم. خدا نیاورد روزی را که دیگر نتوانیم توجیه کنیم، چون آن وقت نه فقط آن آدم‌ها از چشم‌مان می‌افتند، بلکه به تمام چیزهایی که پیش از آن معتقد بودیم کافر می‌شویم...

ما دین‌مان را وصل کرده‌ایم به آدم‌ها، عقاید سیاسی‌مان را هم گاهی وصل می‌کنیم به آدم‌ها، سبک زندگی‌مان را هم وصل می‌کنیم به آدم‌ها، همه چیز ما وصل شده به اشخاص و اگر روزی آن‌ها خطایی مرتکب شوند دین و عقاید سیاسی و سبک زندگی ما را باد می‌برد. شاید چون یاد نگرفته‌ایم آدم‌های غیر معصوم ممکن است روزی اشتباه کنند، شاید چون اگر اشتباهی ولو کوچک از کسی دیدیم تمام خوبی‌هایش را فراموش می‌کنیم، یا شاید چون به جای تفکر فقط تقلید می‌کنیم.

تقلید همیشه بد نیست، گاهی آدم فکر می‌کند و می‌بیند باید از متخصص تقلید کند. اما گاهی تقلید قبل از تفکر است و جای آن را می‌گیرد؛ خیلی از کارهای ما این شکلی است. ما برای خریدن خیلی از چیزها دلیلی جز مد نداریم، برای فالو کردن خیلی‌ها دلیلی جز این که تعداد زیادی

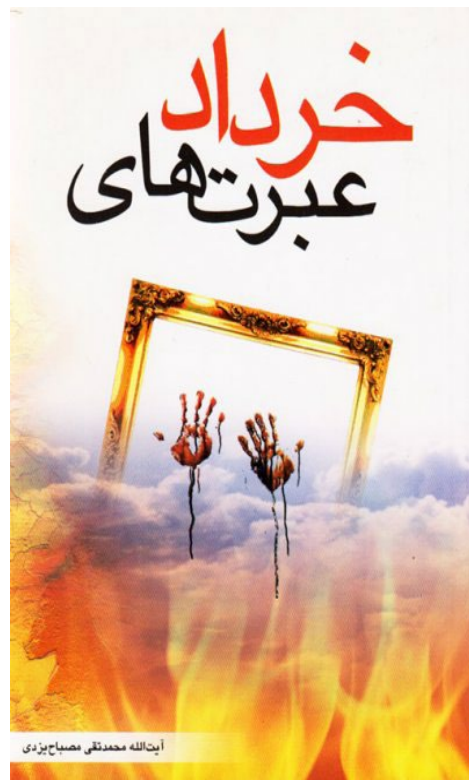
### معرفی کتاب عبرت‌های خرداد

محمدامین قوام نادر - کارشناسی علوم قرآن و حدیث

وقتی به رویدادهای آبان‌ماه در چند سال گذشته نگاه گذرا داشتیم، به یک نطقه اشتراک بین همه رسیدیم که پر واضح است؛ و آن داشتن یا نداشتن بصیرت کافی و لازم است. بصیرتی که حضرت آقا در چندین صحبت امسال و سال‌های گذشته با تبیین مبانی فکری به آن پرداخته‌اند. وقتی بحث تبیین مبانی فکری می‌آید یاد صحبت‌های حضرت آقا می‌افتیم که مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی (ره) را به عنوان یک منبع خوب و مطمئن معرفی می‌کنند. اگر چه برای تبیین مبانی فکری خود جای صحبت بسیار دارد اما با حوادث اخیر آبان‌ماه من در بین کتاب‌های ایشان یاد کتاب عبرت‌های خرداد می‌افتم که با خواندن آن، می‌توان عبرت گرفت و در مواقع لازم، با بصیرت فکر کرد و عمل نمود.

این کتاب حاصل گردآوری و تنظیم شماری از سخنرانی‌های استاد مصباح یزدی (ره) است که به مناسبت‌های مختلف درباره نهضت پانزدهم خرداد ایراد شده است و نگارندگان برای غنی‌سازی و تکمیل آن‌ها، از دیگر آثار ایشان نیز بهره برده‌اند. این کتاب توسط آقایان علیرضا تاجیک و سیدحسن شفعی تدوین و نگاشته شده و به کوشش انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ و منتشر شده است.

این کتاب که قیام پانزدهم خرداد را از چندین زاویه مورد بازکاوی و کاوش قرار داده، در فصل نخست به بررسی خاستگاه‌های آن نهضت از منظر معرفتی، سیاسی و اجتماعی پرداخته است. فصل دوم این نوشتار به شخصیت‌شناسی و نقش حیاتی رهبر آن قیام، یعنی امام خمینی (ره) در



آیت‌الله محمدعلی مصباح‌یزدی

شکل‌گیری و تداوم پیروزی آن قیام پرداخته است. در فصل سوم دشمنان دین و قیام‌های دینی - از جمله قیام پانزده خرداد - بازشناسی شده‌اند و در فصل آخر نیز به پاره‌ای از مهم‌ترین آسیب‌هایی که متوجه این نهضت است با اشاره به راه کارهای مقابله با آن‌ها، اختصاص یافته است. بی‌تردید، بازنگری گذشته، و تحلیل خاستگاه‌ها، آرمان‌ها، سیر رویدادها و دستاوردها یکی از بهترین راهکارهای ارزیابی و نقد و آسیب‌شناسی تمام پدیده‌های اجتماعی است. از این طریق می‌توان به نقاط قوت و ضعف گذشته‌ها پی‌برد و در تقویت یا رفع آن‌ها اندیشید و کوشید، و نیز از این راه می‌توان دوستان و دشمنان را شناخت و در نحوه سلوک با آنان باز اندیشید.

اما در ارزیابی‌های این چنین، باید مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویدادها را جست و آن‌ها را کانون تأمل و کاوش قرار داد، و به این شیوه است که مقصود، سریع‌تر و دقیق‌تر به دست خواهد آمد. بر این اساس قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، به منزله طلیعة جمهوری اسلامی، بهترین نمونه‌ای است که با توجه به آن و تأمل در آن می‌توان وضع امروز و راه آینده را دریافت. خواندن این کتاب ان شاء الله در قدم برداشتن برای دین و انقلاب مثمرتر خواهد بود. خداوند همه زحمت‌کشان اسلام و انقلاب، از جمله مرحوم آیت الله مصباح یزدی، را بیامرزد و مورد لطف خویش قرار دهد.

**اسطوره‌های ماه - گردآورنده: محمدهادی مرادی - کارشناسی علوم قرآن و حدیث - (جهت مطالعه درباره اسطوره‌ها، بر روی اسامی آن‌ها کلیک یا لمس نمایید.)**



شهید ابراهیم امیدبخش شهید نعمت‌الله اکبری سامانی شهید هوشنگ کیان‌آرا شهید مهدی زین‌الدین شهید محمد ضیایی کامبخش شهید یونس خوش‌بین شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی



شهید مصطفی خمینی شهید سید علی اکبر حیدری شهید عبدالله عیسی‌پور شهید محمدحسین فمیده سید محمدحسین طباطبائی شهید حسین سلمان زاده علی‌آبادی شهید غلامعلی حلاج فدوی



۱. جمله‌ی "اول از زندگی خودتون یه قاب قشنگ بسازید بعد به فکر این باشید که دنیای بیرون رو به....." در کدام

یک از متن‌های نشریه نوشته شده بود؟

۱. متن "دردسره‌های مجازی این بار از زبان اساتید" به نویسندگی مریم ربی‌زاده
۲. متن "باید به عقب بازگشت" به نویسندگی سید محمدعلی علوی
۳. متن "عکاس باشی" به کوشش فاطمه شیرعسکرپور
۴. متن "از لیلی و مجنون تا مناظره و قبرستون" به نویسندگی امیرمحمد فقیه‌نژاد

۲. استکبار به چه معناست و وظیفه‌ی ما نسبت به آن چیست؟

۱. استکبار، جنبه عملی تکبر است.
۲. انسان متکبر خود را برتر از دیگران می‌بیند. وقتی این صفت قلبی، مسبب عملش شود، آنگاه استکبار معنا می‌یابد.
۳. ما برای رسیدن به هدف‌مان که همه‌ی اهداف، جمع می‌شود در عبارت "ایجاد تمدن نوین اسلامی"، باید استکبار را نابود کنیم.
۴. همه موارد.

۳. تنها نسخه‌ی برون رفت از مشکلات کنونی کشور بازگشتن به اصل ..... است.

۱. اسلام
۲. انقلاب
۳. انسانیت
۴. وحدت اسلامی

۴. نویسنده‌ی متن "بدانیم از پدافند غیرعامل" کدامیک از نویسندگان زیر بودند؟

۱. خانم مریم ربی‌زاده
۲. آقای محمدهادی مرادی
۳. خانم سکینه شیوانی
۴. آقای علی کریم‌آقایی

۵. محتوای متن "نه زمین می‌دهیم، نه زمان" به نویسندگی آقای امیرمحمد فقیه‌نژاد، در مورد کدامیک از گزینه‌های

زیر درست آورده شده است؟

۱. استکبار
۲. سوسنگرد
۳. شهید چمران
۴. آیت‌الله خامنه‌ای

۶. کتاب معرفی شده توسط آقای محمدامین قوام‌نادر چه بوده و محتوای کتاب در مورد چه موضوعی است؟

۱. عبرت‌های تاریخ- سخنان آیت‌الله مصباح
۲. عبرت‌های خرداد- سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی در مورد نهضت ۱۵ خرداد
۳. عبرت‌های تاریخ- حوادث آبان‌ماه
۴. عبرت‌های خرداد- سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح در مورد نهضت ۱۵ خرداد

## ۷. استعمار فرانو به چه شکل است؟

۱. با تأثیر بر روی افکار و نظام فکری او، کاری می‌کند که در جهت منافع استکبار موضع‌گیری و تصمیم‌گیری کند، بدون اینکه خود شخص متوجه باشد.
۲. تعطیلی فکر، یعنی اجازه ندهند شما فکر کنید.
۳. به مرزهای ایمانی و روحی آن فرد، نفوذ می‌کند تا تصمیماتی را بگیرد که مدنظر استکبار است.
۴. گزینه ۱ و ۳

## ۸. حمایت از مظلوم، تابع ..... و ..... نمی‌باشد.

۱. مذهب و دین طرف مقابل
۲. ملیت و زبان
۳. نژاد و ملیت
۴. دین شخصی و مذهب خود

## ۹. عنوان سایت معرفی شده در متن آقای علی نصیریان چه بود؟

۱. سایت طلایی
۲. سایت مهدویت
۳. عصر ظهور
۴. عصر انتظار

## ۱۰. کدام یک از گزینه‌های زیر از نویسندگان نشریه (هیأت تحریریه) نمی‌باشند؟

۱. خانم فاطمه قراغانی - خانم فاطمه شیرعسکریپور
۲. آقای مجتبی حمیدی - آقای علی نصیریان
۳. خانم ریحانه رزم‌آرا - خانم رقیه صفائیان
۴. خانم مرجان فرمانی - خانم زهرا رنجبر

✓ سوالات را بر اساس متون نشریه پاسخ دهید.

✓ پاسخ سوالات را به صورت یک عدد ۱۰ رقمی از چپ به راست به سر شماره ۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱ به همراه نام

و نام خانوادگی ارسال بفرمایید.

✓ به برنده مسابقه سنگ حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام تقدیم خواهد شد.

✓ مهلت ارسال پاسخ‌ها تا ۷ آذر ۱۴۰۰

# برنده مسابقه ۴۱ مضماری

# جناب آقای مهدی وحدتی